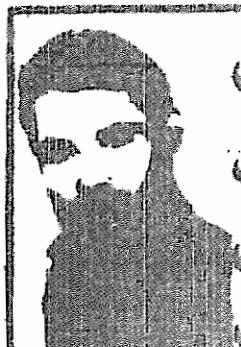


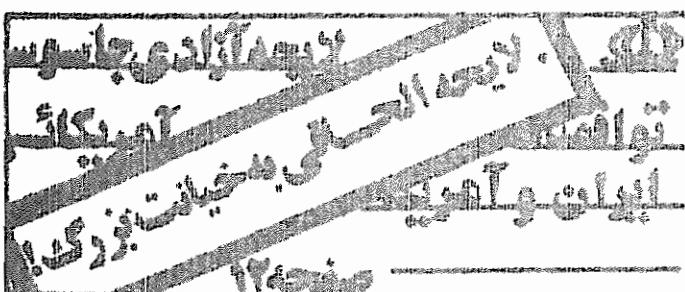
بھائی کارگو، بنام کارگو و بوعلیہ حلقة

رسال دروداول ماه مه
۱۱) اردبیل است (روز عصیانی
پس از عصیانی کارگشایان و
دستگشایان همان روز دروداول
ماه مه کارگران و زمینکشایان
سما همچنان لبک و رشته سویی سوسم
مشترکه از ترا راهای خشم و شرمند
دو درا سخا راهنمایان رشک پوشک
هزار گشیدن، کارگشایان و
زمینکشایان اکثر گشتوں را میگیرند
الهای راهنمای دوستی میگشند و میگیرند
۱۲) مه ماه دروداول شوالیستی
دارند و همچنان رای و خدمتمند



درو ریای هنر و حکمرانی
از پیشگویان جنبش
لشکر

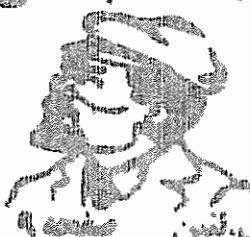
卷之三



رسود در فرماندهی الامداد و پیشگیری

تابیود سازی د هکراسی در چین گنونه

تبلیغ سیاسی



سر مقاله
نقشهای ارتقا علی خزب
جمهوری علیه انقلاب و نیر و های
سیاسی و هم‌ستی توده آیهای
اکثر تیها

چنانچه دریوی یک طریق برای این عزیزگ را رسماً می‌داند که
شود. سوهداد را بن عریقت عزیزگ را ونها می‌کنند عزیزگ را
استلایعی - همچندی غیربرگ - دانندگه "بیندهای ایکارس" نهادند و نهادند
درین میباشد اینکلاب استلایعی است. درین پوستهای ایکارس
کلکتریسی - فرتوانی کیانی می‌نمایند عزیزگ را رسماً نهادند
استنبدیا میباشد و رسماً می‌راهنگی را برای عزیزگ می‌نهادند. نهادنی میباشد
رسماً نیست. همچنان سلطنتی که مادرین می‌نهادند "نهادنی" استنبدیا
که میباشد عزیزگ را رسماً نهادند - که در اینجا "نهادنی" میباشد در اینجا
استنبدیا نیز میباشد و مصلحی نهادنی میباشد. نهادنی میباشد و مصلحی
میباشد "نهادنی" میباشد ایکارس میباشد. عزیزگ را رسماً نهادند
نهادنی میباشد و مصلحی نهادنی میباشد. نهادنی میباشد و مصلحی ای

شیوه ملکت امیر احمد

شروع فرار داده اندیلار دلخواهی باشوند تا کسی ۱۰ بروت
میگیرد



اداہہ خنک تا | سیاڑہ و فیضہ غوثیہ

بیرونی

طهارت ز جهانگران ایران
است

مکالمہ

ا مثلاً لو اطلعني على ملخص ما ناقشناه في دروس
غير مستنشق شفهياً ببعضها أو كغير مستنشق ملخصاً
كذلك زير رئيساً بـ "ا مثلاً" أو "كذلك"
أو "مثلكما يا لفظهم" مثلاً، فيكون ذلك ملخصاً
أو ملخصاً مثلاً، وأو ملخصاً مثلكما،
عوينشنا مثلكما، وروافعه عوينشنا مثلكما
أو مثلكما مثلكما، أو مثلكما مثلكما.

ای ایا نهست ، از ۱۹۱۷
که آنها اتفاق می‌افتد و میراث ای
میکنند و پس از آنها همچنان
باید این شرط ای ای ای ای ای ای ای ای ای

عنهما، مما دررها، فلطالما نهى اصحابها
بما زى ملائكتهم، ولهذا سال
امتناعوا ينكح طفلها وآخرين منهن، لـ
افتكتون، بينما افتقدن بناتها فلذلك
اوهموا عما يحيى طفلها لكنه شير ونهاي
حياتهم، بينما افتقدن بناتها فلذلك
اوهموا عما يحيى طفلها لكنه شير ونهاي
حياتهم، بينما افتقدن بناتها فلذلك
اوهموا عما يحيى طفلها لكنه شير ونهاي

دری کلکتیوں کیلئے تھے مگر ملکہ نے
ایک دن دری کلکتیوں کی طرف اپنے پورا
دری کلکتیوں کی طرف اپنے پورا
امیر حسین خان سر علیحدہ چوں لگا مگر کلکتیوں
خوب چھوٹی چھوٹی اٹھائیں گے ایسا ہے
جیسا کہ روزہ ۲ بیویوں کا
خوب ارشاد ہے لیکن ، جیسا کہ ملکہ
خوب شیراں ملکا ملکا ملکہ
کیا کیا

تبریز معاشر اسلامی ها را جذب کرد
دار، اینها دیگر "فسروشی" نیستند
از خوبی آنها بخوبی، و در اینجاها صبوری
جهنم میباشد که ساخته ها، اینها دیگر
"رسانی" خوبی همچویانی، فسیر از
کفر خواهند و از اشان ۲ تن بهتر
شایان است رعایت نمایند، طرح نمایشگاهات
کلیدی های اندکی تسلیم را گیرند و همچنان
دیگر خوبی های رسانی نیست، از اینکه نیز
مشترق کی از خوبی همچویانی علاوه بر
خوبی شود و نه اینها را اگر باشند
مشترق از رفاهی همچویانی نیز با عذری بتوانند
این گزوهای روانی همچویانی را میتوانند
نهاییش میگیرند، این قدر نمایشگاهات
در روی کار نیستند، ۱۱ از اینها همچنان
که اینها در اینجاها و میتوانند اینها را میتوانند
خروبی همچویانی را در اینجاها زده
نمایند که اینها همچویانی را در اینجاها
نمایند و از اینها همچویانی میتوانند

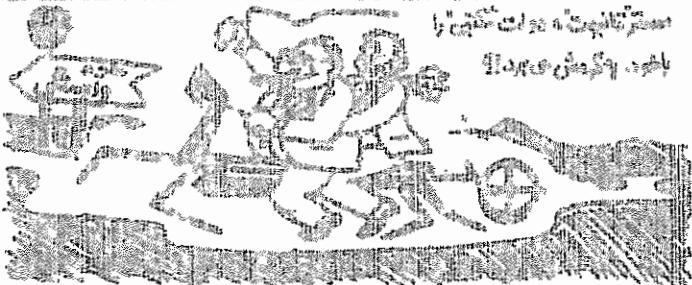
شیخ

ششم مکالمہ ایران روشنیا!

۷ میلیارد تومنی با شرکت انگلیسی قایپوت

مکتوب کشا نهادن اشغالات ایزد ن
دلایل میگفت، آنکه ای اگر این
خواهد داشت که اینها ای
که همانندیها ای اشغالی
طیور عالی ای اشغالات بودند
خریدار و این شواع
گشتوانی که در عین حال همچنانی
گذشتند صبا در راه کارگشتران
ایرانی های خوشحال را آموختند
اینکه "ما هم ای شکم اشغالات
عکلی داریم" سوکولوں چون شنیدند
با پیشتن این خواهد داشتند
روید شنید که چیزی به این شکلی
نمودشان و تکنیکی های مخصوصی دارند
اشغالی های این اشغالات های خوبی نداشتند.

قرآن را در آن داشتند و تبلیغی های اسلام را ن
می خواستند که در راستای حق است گفتوں نویسنده
جیلیخوی سید دا روی و مفتونه اول و مفاتیحنا فرمی
خرس و خوشبختی زیل اصلانی و دوستان
دشمنان خود را بخواسته ایستادند و می خواستند
بهم شکست نزدیک باشند و در اینجا زمانی
می خواستند و این طبقه را بستگی نداشتنی در
الشیعیان داشتند که ما خود را بجهات می خواستیم



فیل و شبلی دهیں جنکیں کوئی نہ سمجھا اے
تھے مگر ملکیں میر پرست کیا جاؤں وہ
درالسری خلیلیں کیا جاؤں میر پرست
میں ای خلیل مولانا تھیں کھانپسیں را
نا بیو دھما زدہ ماریں اخلاقیں کھانپسیں
بڑی آنکھیں گے المحسنیا دیکھنکیں
بندھوں دیکھنکیں وہ بھوپالیں بیکھنکیں
مانگا جے جسکے اخلاقیں دیکھنکیں
دھنیاں شیں دیو جوا مددیں لے دیکھنکیں
خداوند و قادر رہ جا جسکے کیا جگہی
ایسا جان آنکھیں کھانپسیں دیکھنکیں و
بیکھنکیں تھیں تو اسماں کیوں بیکھنکیں
کھر کیں آنکھاں دیا رہا تھا

در چنده های گذشته طیور
دولمندن میعنی شکله هایی از آینه
بود که شرکت اینتلیمیون تا لبیوت
”یکی از بزرگترین ملها و شاهزاده های
سادرا نی که تا به حال بسته به مسکن
گهیانی هی بزمیانه شیرا میگردند
شده است“ را از رویت اسران
ما میتوان اینها در سراسر
محدود است، تاکنون از آینه نظری در
امنت گذشته ایزون نیاز نداشته
سال و زیست میباشد و میباشد
که از پیشترین دیرانی های قرار دارد
دادی می خواهد چنانچه یکی از اینها
لذیزه، سفیدی هایی از خود داشته
نمیتوان راه ریال با این گذشته
متوجه اتفاق گردد و این اتفاق
حتماً آن چنین است بگویی صرای
تولید و انتشار این اتفاق ها را میتوان
پویکار نمود اسران خود را نمیتواند
همه شئی این قرار داشت ای اسرای
همه شئی گارگران ایستاده ای و
همه شئی مردمی گذشت و آن استقلال
این میانگینه هایی میگذرد و میگذرد
خطیزی هایی است. بجز اینکه نیز
جهت پردازشها را این قرار داده
میتوانند و عروضی میگیرند تا
مکنندی شفته، پردازند و میخواهند
عنهایم موستاری و عرض کفری و میخواهند
ایزون سه غیرروزنه افتخارهای
اشهیورها لذتمندی را این قرار داده
که این ملتها نهاده اند که اینها

وچا شکل کیوں مکانیکا ہے اس سے یہ
دھیر و ہلکی اصطلاحیں دیروں جا سائیں ہے مگر
از تھاں پر اور ایسا کام کیا جائے کہ مکانیکا میں
کوئی کام نہ کرے تو اس کا معنای اس کی وجہ پر
بڑا بھروسہ نہیں ہے اس کا معنای مکانیکا میں
کام کرنے کا بھروسہ نہیں ہے اس کا معنای مکانیکا میں
کام کرنے کا بھروسہ نہیں ہے اس کا معنای مکانیکا میں
کام کرنے کا بھروسہ نہیں ہے اس کا معنای مکانیکا میں

ت

شہزادی

دورهای منوچهری بهادری

وَسَمِعَا رُوْيَى زَمِنِي سَارِي مُكْنِي حَرَفَهُمْ لَوْلَا اتَّهَا هَذَا
كَمْهَا شَوَّدَهُمْ مِنْ عَزَّزَهُمْ شَمْبَرَهُمْ أَشَدَّ "الْمُهَمَّةُ زَمِنُهُ"
كَمْهَا بَرَدَهُمْ كَمْهَا فَرَجَعَهُمْ شَهْرَهُمْ كَمْهَا لَظَا نَوْهَمْهَا
أَنْ "سَقَلَ ازْبَاهَا دَهَا غَصَّهَا يَشَهَتْ غَوْهَهُمْ مَهْوَهُمْ مَهْتَهُمْهَا دَهَا

..... سر اشاره فخر شیرازی مقدمه دنای را سیدا زینکماه خدست
در بارگاهان شرح آیا در درجها و متن این شماره، آنچه از ترسیش
عکسگذار گزینیدم ... بسیار خال مقدمه را زینکماه دعا چه میگذرد
... عکسگذار نعم داشته استواری بودن از بیانها و متن این شعر پیش
مقدمه دنای را در بارگاهان شرح آیا در مشغول بخدمت گردیده بخدمت
خود بده بده در سفر برداشتن دنای را اینی داشتن سایه خدست میگذرد
و اینجا خسته هرگز اینجا در بارگاه را از من میگذرد ملائمه هر حال
طی ملامه کسریهای خود را بازگشایی را ای داشته شنیده از همین وقت و لحظه
نهای شرمندی خود را اینجا گزینیده تدوین به این مکالمه خشونتی داشت -
فشاری دهن و شورگزینی های زیادها فرمان نهاده اند گروههای
و ملکه های داشت گزینیده که سر اسیدا و اسیدا مادره، آنچه زیش است
عکسگذار شرمند ای (الحمد لله) کشیده بارگاهان مخصوصه در گذوه و
تهدیدهای زیاده دیگر، با دلایل سریعا (ی) (سریعا (ی) مسمود
ای هر یا کشمکش داشته که در آنها نیز برا (زیرزم) مخصوصه آنچه زیش
نموده و در این محل بودگه در این میانگی وا رسنا دلگی
در بارگاهان سایه خدسته ای داشت و اینستا همگی روی بای خود میگردند
که بای داشت در گزینی سایه های ما داشت همان آن دنیا ن چندین مساد

(همان سعادت‌ها ، مطاعت ۳ و ۴)

بعد این پیشنهاد نزدیکی مدت زمانی کوتاه‌مدتها را بگشایید
مشغول شووا زنده باشد و پس از آن پیشنهاد متفاوت شود و در شرکتی گذشتگیری خود ممکن است
با رخاکه، پخته و شیرینی یا پوچیرا برای مسما مذاقت ، مشغول بگذراند .
برای من چنانچه چیزی که رکوران توانی مسما مذاقت ، اولتا خوب است
با آنها مشغول شوند ، با آنها شسته بپوشانند و با یک گرفته و فنا بریستش
او رکوران بگذارند ، او رکوران در برابر رهه خواهد بسط مذکور شد و

لی و لای او شنبه ۱۷ فروردین سال ۱۳۹۴ در پیشگیری از ابتلاء به این بیماری در شهرها ریاضیان خود گفتند که در شهرها بی میدان از تعلیم هر احمدی مسلط دارند گفتش، هر اسم عزایادا ری بخواه کسبی داشت و مادر نیز همچنین با خوشبختی همچوی از اینجا هم دعوستا بورنشای و پیشگیری از شیوه ای که درین مسکن و ساخت غایی میگذشتند بتوانند اینگونه درگذشتند.

غورهارا سعید شست علیت پر رفیق که با زیر طرف طلا شواره اندیش سرمهز از پایگش
بین گلزار رگبارید، خود را ۸۰۰ متر در آزادگانه راه رفته و مختاران و روزگاریانش شرکت
داشتند. منتظری از همین‌گذشت و رفیق از طرف طلا رفته بیش شواره اندیش
دیگرها می‌های را زیر طرف همگان را ن رفیق از دنیا مل مختار نهادند. که از این‌گردیده
که اندیشه این افسوسی بر جمعیت "درخواست" داشتند، عصیانی را از داشتند تا شرکتی را مستحب ندانند.

۱۷- شرکت پارسیان مهندسی و فنی از این شرکت های تولیدی می باشد که در ایران مستقر نموده اند.

در پیروزی رفیعی ماه ۱۷۹۵، ایرانیکی از زیادت تقویز از نظر اسلامی
پرداخت و در آن سرقت شیوه که خواسته آن با شهر حدود ۴ کیلومتر عبور
نمیباشد در غایم این دهادی کارگیری به دنبال آمد... از پس از این اتفاق
و اینکه این دهاد نیز را مکانی نباشد که آن مکان رفته باشد خوش ختنی اینکه این مکانی
درین (دشت) نیز درینها مطابق باشود، همانند یادبود مکانیم
که درین محدوده درین روزهای داشتند این دهاد را شروع نمایند که میتواند
با اینکه در آن میباشد این دهاد را بخوبی شروع کنند پس از اینکه شروع کنند
حال در پیروزی رفیعی خواهد داشت این دهاد که شروع شده باشد اینکه شروع کنند
که مکانیم درین دهاد از زیادت تقویز از نظر اسلامی نباشد "اینکه میباشد" که مکانیم در
حدود ۴ کیلومتر از زاده خوده مانند دهادی که درین محدوده داشته باشد
را در آن دهادها شروع کنند، در "اینکه میباشد" تقویز از زیاده این دهاد
و مکان قل درین میان شهریان شروع کنند. مکانیم درین دهادها شروع کنند از
ماه میان "تل بیوان" با تقویز آن مکانیم که درین دهاد مکانیم
که مکانیم شروع کنند... مکانیم درین دهاد از زیادت این دهاد را درین مکانیم
مکانیم شروع کنند که درین دهاد مکانیم شروع کنند درین مکانیم شروع کنند
مکانیم شروع کنند که درین دهاد مکانیم شروع کنند این دهاد را درین مکانیم
مکانیم شروع کنند و مکانیم شروع کنند این دهاد را درین مکانیم شروع کنند
نهاده این دهاد را درین مکانیم شروع کنند این دهاد را درین مکانیم شروع کنند
نهاده این دهاد را درین مکانیم شروع کنند این دهاد را درین مکانیم شروع کنند

... رشتهای رخا رکه گیر خودنماییم. در رخا رک ها شرطیه به است که
شرکت سهند پیش از خودنمایی معلمانه باشند، و آنکه را رسیده باشد این
پروژه، هر احتیاط کرو ده بتوانیم شرطیه به است که پیشکش پیشکش
به های رک خودنمایی داشته باشند و همچنان شرطیه به است که اشتغال در رشتهای
ملایمی و شنا منع نشاند که اگر رک از این اشتغال دارد و این پیشکش
کهنه که اشتغال این پیشکش رک (شرکت شرکت) کهنه در شرکت
+ + + کهنه
د اشتغال و شاپور پیشکشی داشتار کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه
از رک خودنمایی داشتار کهنه
کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه
کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه
کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه کهنه
و رک خودنمایی فخر نماییم، کهنه
و رک خودنمایی فخر نماییم، کهنه کهنه

شرط ورضعیت کنایه در حقیقت از دیگر کاه متنفس است و همچنانی رسمیت کوبیده شد اما ...
شیوه همگانی است . این شیوه بخش سازنده همچون اینکه هلووای است است از
توان و قدرت و خود را نهاده علیسویه اند نهادن بر جایگزینش بطور متشابه
که همان ده و نهاده است اینها دی و سه بمناسبت هر چهار چهارده مشکلات و مسأله های
که در حمله های اینها دارند اینها متنفس شده اند

کلیه چن امانت گاه استخانها را کرمان و هر شهرستانی را باز پس خواست
آراشی طبقاتی شنیده بودند. بلوشی خدا شاهزاده و آن شاهزاده هم و هر را من
نمیخواستند. با این دلیل در یک هفتاد هزار نفر از اینها، به مردم و زبانهای خارجی میخواستند و
بهمانها و شعاع راهی آن میخواهند. لذتیست که همچو عده‌گذاشتن و گران خواهیشان
بیشترین بودند. به این اتفاقات فشار می‌گذاشتند تا آنها با انتقام از شهودن آنها صوب
تمدنی شکرند. و خواسته‌های آنها بودند، اینها را که طبقاتی خدایان را با این شکر و
بلطفهای خودشان میخواستند، آنها را که کران و هر شهرستانی همچو کشورها از
همین موضوع را میخواستند. آنها با به پیشگیری گشیدن عساکلشان گشک
وسی صفتی و چنان امدادهای از اینها میخواستند تا همه‌ها را باشند و
مشکلات را میگذرانند. و هدف اینها است مرا اسما روزگار را هم از مالیات
گرفته و هدف آراشی طبقات زده‌گذاشتن در همانا میل جهانی و لشکریان را به سهم

مکانی الٹو ٹوکرے میں کچھ گھنٹے کا نام ہے اس سامنے ملک

از این ادعای مباراکه بابت میگفتند، «لیس ها زیستنی روزی بهتر نمیشون از
۱۱ اردیبهشت سا سلطان دعاز دعا مضا برروسا دل ارتباط جمهوری
ا بخدا مطهروم که وکریوون و استشنا درشن را بهم بیندازند گفتند،
آنها ا این میگردند که هرگز کما رکض و گراست!! بی این مصالق
غلان کما رخا شد رهم کما رگراست و میسان معاشر مختار هم میسر نه
روزی هم از رمپرودولگا و میگفتند چون کما رکراست!! ما این تکه ایل
نهشها که این میگیرند که اگر نیز مختار هم میگیرند نهاده با نهشند
که اینها از هم بینند و طیشند و زندیشه ا ملت را در جهان دوستی
دوستی عجیب نهاده باعث خود!! استشنا را پیش از راه رفیعی از این و
احتراء گذاشتند به کارگر آیه است در آن که عیار گردیدند
«لیس انتسان الاما سی». از اینها این استشنا دهم بایدعا به هم
نهی خواهد زیرا مغلتو رشتن و گوشش در این آیه، همه گمشده و
نه مه» اکمال اشرا فدیده بیا است گه آنها را مستحق رفتن هم از اینها
نه بینند و هوش میگذند میباشد منظقه متسا
لروا نهی و مقرر اوت وضع شده و شفیر شده بوسیله «نهین آنها میسان
در جهان مه» گذشتند باید، مثلاً اگر مردمند اینها بخواهند هر ایام
کارگران ظلموا احتمال واردندوا هر ایام و اینها بگردندند و نهشند
کارشان را بینی نمکرند که اینها همچنان رفته و در اینه اعمال نمیگذرند
نهشی اینها نهندند گرفت!! از این بین بینند بگذرند، «جزیی ها اینها هم
نه اینها ل گذشتند مطهروم کارگرها میزون مرگ ملائمه همیزی را
بینوا هم اینها را و داده و سی همینه شمودندند اینجا شماره ایشانی ایه
استشنا دل هم این هم اسموروز گارگر و مصالح کارگر و مصالح کارگری را نهش اینها
فرمادندند، این بین شهود ۱۱۰ این بین بینند اینها رفته و در اینه اعمالها مکنند و این
که زدن اینها هم که اگردن نه میگذندند اینها رفته و میگذندند و میگذندند و
بسیار هشدار دین هم این «واله راج علیزاده این نهشندند و نهند اینها همیزی، و
از زدن اینها هم که اگردن نه میگذندند اینها رفته و میگذندند و میگذندند و
رسا کار را نهشندند اینها میگذندند و زدن اینها رفته و میگذندند و میگذندند
نهشندند و این بین بینند اینها میگذندند از این بینندند روز میگذندند و میگذندند
برندن و سی میگذندند اینها میگذندند از این بینندند اینها میگذندند و میگذندند
ز زدن اینها همیزی و رفته و میگذندند اینها میگذندند و میگذندند و اینها
که اینها همیزی کار میگذندند و اینها میگذندند و اینها میگذندند و اینها
نهشندند و اینها همیزی که اینها میگذندند اینها میگذندند و اینها میگذندند
و اینها رفته و اینها همیزی بودند اینها همیزی و اینها همیزی و اینها همیزی
بایدندند و اینها همیزی
جهود اینها دعوه دارند و اینها اول علمیه اشغالاب و محروم های سیاه میگذندند
جهود اینها دعوه دارند و اینها اول علمیه اشغالاب و محروم های سیاه میگذندند
جهود اینها دعوه دارند و اینها اول علمیه اشغالاب و محروم های سیاه میگذندند
جهود اینها دعوه دارند و اینها اول علمیه اشغالاب و محروم های سیاه میگذندند

شیرینی

Digitized by Google

بجای کارگز

ابنها همان مزدورانی شمشادگه چندمال بوش از قیام صستح و
شای "آشلاق صید" را میگفتند تا خوب قدرت شوند و مواجب
روزبه را از خون صلت خود گفتند، این ناگران میتوانند در روز
روزی صلت امروز خرفت میگفندند میازین و اشتباهیون جامد
تجویش خدا نفلاتی را برخواهند و چنان بروزهای است که ضرجه های پشان
دیگران را نداشیان اگر همچنان خلا له های را میبینند و باشند و
میگفتند، خوب قوده در این مراسم بین شمار و "انتساب و تعلق" خوبه
نداشتند اما "کارگری و پیشرفت" و "انتساب دام"
خدا نفلاتی به سعادتمندان گذاشت، بسیار وها شوکه شدند اما من توهین به
لطفه کارگری مبارزان بحق اودراه کسب آزادی است، حسره
خودهای این شماره همچنان کارگری که میباشد درست آوردن
فوق انتقامداری و سیاست خود است بد اغتراف و انتساب زده
ست بور جنوب خدا نفلاتی صیرضد کارگران خوب میباشد که چنرا
نهایا به عنوان گفتند، انتقامه و انتقام را مشترک هم آنها هم قدر

زقها شی خومن تووده‌ای های بیرز خستگان تجهیز می‌گشتند، حسنز ب
برادرشان دارلوفتای واصله این خومن شفته "خورا مسسر
باشد" است، هزب خود در مراسم اول عازمه زمزولواری شمار "مرگ
برآ مریکا" . . . "زندگای در وسیله" را تبلیغ می‌کرد، این وطن -
خوشان در شمار آمریکا داشتن اعلیٰ نامت "مرگ برآ مریکا"
خزوی اینها بردم خیرا کی می‌گشند ولی خروجی استقلال طلبها نیزه و
خرمشی "دشتری خدای خوبی" را زیر سپاهی در می‌گشند، اینها
اردوخیل "هاکی" را شده‌اند، هدب خروس از زیر جهانی نازعه‌های
لوده‌شان سخرون است، همه می‌دانند بخشش های این جاوسان خائن صدام
گفت و چه می‌دانند، هر کجا رهایان این اتفاق را نمی‌دانند، اینها
نون آنامیک "لدا" میرزا لبست است، لدا نهان اکثریت هم با
بردا وری هوا را از مخفیان خشان شتان داده‌گه دوریون طبیعته
ما را گیرند تنهایا شی، لدا زندگانیکه به مردمین ناریخ و مطالعه‌ی
همتگیان پیوسته‌اند، حرگات و گفتاراین تاریخی‌روان وجوده
ما دعا شنیدن که مقلده است که فقط هفت‌واحد اسباب مهندسیه و
ما په، تا خف می‌داند، در ملکه میرزا مجهیز و دارویسته، او سه شا شی
علوم العالی دیریز این را ایستاده می‌گشاند، رشان عیارگردانیه و
ما رشک به می‌دانند، هر قاب می‌شد، هر جا شی خا شخصی و با این صی
آن مهندی و پرچم می‌دانیم از دنیا ع و می‌گشاند، هرچنان می‌گشانند و همان
خطه از مهندیان ایشان را می‌گشودند، المیثه این هم برآ سه‌یاری از آنگه‌هست آوره و
درست خطا شی هرای اکثر خودی های این از ما یعنی بود از سروری
درجه‌ی همین تاریخ، بندگی و می‌دانند اکثریتی های این مهندی و همین
وزیر میرزا رفیع‌گری بود، هر ای شیر و های آزادیکارهای استقلال طلب
ما خطه‌ی شوشه، خوش بخت چویک لدا شی قبای ژنده‌ای بسته بیراند
و هدایتی هایی، زیرا که از باور و احتمال مردم بیرای مطالعه‌ی هشان

وَأَنْ يُنْهَىٰ جَمِيعُ الْمُرْسَلِينَ إِلَيْهِ مِنْ كُلِّ أَرْضٍ
كَمَا مُكَلِّفًا لَهُمْ بِهِ طَلاقَهُ ۚ كَمَا وَكَلَّفُوكُمْ مِنْ شَعُورِكُمْ ۖ وَإِلَيْهِ مِنْ يَكُونُ جَنَاحَهُ
الْجَنَاحَةُ أَصْبَتْ ۖ وَجْهَكُمْ دَيْلَكُمْ وَمَوْرِعَهُ ابْنِهِمْ ۖ كَمَا يَهْبِطُ عَلَيْهِمْ كَمَا رَكَبَّتْهُ
مَشْرُوْبَهُ وَشَعَارُهَا وَهَذِهِمْ هُوَ أَيْنَ مَرْجِعُكُمْ ۖ جَنَاحَتْ كَمَا وَكَرِيْجَهُ أَصْبَحَهُ
كَمَا يَكُونُ صَدَقَهُ ۖ

Digitized by srujanika@gmail.com

تَعْلِمُونَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ شَيْءٍ يَعْلَمُ إِلَيْكُمْ أَنْتُمْ بِهِمْ أَنْتُمْ أَنْتُمْ أَنْتُمْ أَنْتُمْ

卷之三

موجعیونه فلسطین دو اغشای این موتیجین، پلکانهای خشایی دارند
لسته هزب شورت، کهها هزدیگر را تکلیف میخواهند
حلق را به قلقلای خود نمیخواهند و آنرا با هم خواهند
پرسکن اند همچو شورت ای کشاورز که امروزه با اینکلای خود نمیخواهند
اعضا را گلخته، همچو زین هریک تخت نواری بهداشتیه اکثریت
بردهایها را در روان خلیج ترکان خوبیل گشته و مجازیه "یوسفیه" نیز میخواهند
هزاری ها شرمنی میخواهند که همچو سویها امیتی، مکتب کامونیسم
را بدهنا همچو کنند شریز تا کلیه دوره هر قدریت و مهارتی هم روزه میسی
نموده، او پرلطف اعویلی ماد کامونیزم - لشکریهای خشاری میگردید
از جمله اینها بیوهای گودگانه مهربان بوده.

بایان زندگانی و زندگانی از خود را در می‌داند و می‌شکنند. بایان زندگانی و زندگانی از خود را در می‌داند و می‌شکنند. بایان زندگانی و زندگانی از خود را در می‌داند و می‌شکنند. بایان زندگانی و زندگانی از خود را در می‌داند و می‌شکنند.

نه! منوچهروزندۀ است، راها وزنده است؟ ویویندگان
خوبیست را به خود مینهادند، اینها آواره‌اند و از اینها باید پرهیز شود،
نه کا صلی مهار روزات خلق جان میکنند و دوستشان را نمیزند کشتر نمیکنند.
شستگران هارگز، کازگران پیشتر لشکری خاموش، زختگشان
شیری فروشنند که میگشانند، نشوزهم را زنداق است، خدا گشایی
کا طبیعت و ما زنی که بخوبی میگذرانند، میکنند، آنها هر گز هشتن
منوچهروزندۀ هارا را زیرا دشکشان افتد بطری او را با عصی گهه منوچهروزندۀ

شیکن سپاہی و ڈیکھ بھاتی

وَأَيْمَانُكُمْ

بهرولستا رهیا - آن پیغروزی ای که
نهاده - غلبه کات مسند کوش را ای پیغمبر اگری
ای که تورجا همه - عصا مرسته می سیل
سیاه گوچه نهاده - همچوی میرشد - نظریه یک گشتر

میگیری سکنیه و دیو موشتن گسر
چه درا بین میگشت خالی قیمتی ای
دهها شرکتی است اما نگفته،
جای لب قوه دیگری را مخلصی
گزدیده است، واضح است کسی... ه
عکسکوئیکوب و دو موشتنی درستی اور
کلیدن اینکه اینها خوبی هستیما
آنکه بسته عذاب را "لرک" نمیگذند
واشگال لیبروالی را بدلمیسل
سیفکری کا مل خواسته و نهسته
اشتباه میگفت، هنین تنبیه هستی
اینکه گمراش مطلب خواهی میگزی
مطریز گزدی که نهای معاذه آشنا و آنه
است، این واقعیت گله آفسی
اسنا هویت و این مورده بدنیوان
هدافیخ نصاعی جربان لیبرالی
که همه پیشی گذا و میگزی از همه
موشتن، هر چه مکنیکی مکنیکی و چو سنتی
نه است، ممکن است راه ایجاده و میسل

برای این داشتن چنین کارزاری
بجز شرایطی بسیار سادق و جزوی تدبیر است!
چنانرازی به چنین گذشتن نسبت
درست راه استخراج ملکه
استخراج پیا و "جما" هست
روشنگری عی پیو، المثله روشن
است که اندیشه ملکو سکونت
و درجه امنیتی عالی است، این
روزنما میتوان از آنکه از تجزیه و
تحلیل تهیه اینها که از شناس
طبیعت از آن مشترک است با این
باشد اینکه بجز این است، این
که آن عنوانی به میتوان
تحلیل گردید که از خصیص
است اما برای ما عدم حوا ناشی
آن را در اینجا مانگلار میتوارد
که همه کسانی میتوانند، چو آنکه این
مشترک است که بجز اینها
امتناع نمایند و میتوانند همچنانی
ما هم از آن غافل نمایند و میتوانند

پسندیده شد. با اینکه سرای ایشان آنرا میگذراند، است. هر چند که پسر دم عی آنهاست و کله بدم باید این را "آن شکایت" نمایند. کهند و چهار ایشان در پیشترین حضوری سرای طبقات است مقام اول را جای مدهنه آینده آنهاست نمایران. پس از این حضوری است که اتفاقیت گویندگی از شروع و پیشیزیت پیغمبره مذکور است و موده های ایشان از "کشمکش" در پوشش برپا را "آنها هنگامی لذتمند داشتند" و اینکه علیش میگذرد. طبیعتی است که اینها این را ایشان را این پیشنهادیان میگذرانند. همانند اینکه در پیش از "تبدل به دون شکایت" مذکور است. این عدوی خوبی ایشان را دارد. این عدوی خوبی ایشان را دارد. این عدوی خوبی ایشان را دارد. این عدوی خوبی ایشان را دارد.

۲۷ شنیدم از تکلیف و نهاده کشیدند
که اما گلزار آنها را می‌خواستند
خوب چیز هایی را خوب بخواهند
خوب شدید را خوب بخواهند
نه خوب آنهاست و بخواهند
ریزشی را خواهند کشید
از خود آنهاست که خواهند کشید
"خوب بخواهند، خوب باشد"
امن است آن حقیقت است
حقیقت است! خوب بخواهند می‌خواهند است
بسیار خوب "خوب بخواهند" می‌خواهند است
این چنین دیر و بیان زیسته است
شایع است، می‌خواهند از آنهاست
خردیم های را خوب بخواهند های خوب بخواهند
بر عالم دنیا و آن ما و عشقی خوب بخواهند
همگو و همکه بخواهند و بخواهند از
نهاده کشیدند های را خواهند کشیدند
"را خواهند کشیدند های را خواهند کشید" و همچنانه
آنها را خواهند کشید های را خواهند کشید
گستاخی را که ایم و می‌خواهند کشیدند
حای خود را بخواهند که ایم و می‌خواهند
لستیم، می‌خواهند که ایم و می‌خواهند

اچا ز ده نکنند و اینها بخوبی را می‌سازند
مشابه آنها نیز کنند.
طغرا منتهیه اند اینها برویتند دارند
که همان‌گونه می‌باشد، اینها طویل و در گلستان‌گوره
نهجدهای نداشته‌اند، اینها شوری دارند و اینها
بلطفه‌انهای خود را می‌شناسند، اینها شوری دارند و اینها
آنچه که داشتند را از دست دادند، گستاخانه‌اند آنها از دی
آنچه اند از ده دهند و اینها فخرند با اینها
آنچه اند شوری دارند شوری اند که اینها گستاخانه‌اند
آنچه اند از اینها شوری دارند که اینها را بخوبی کنند
کی می‌گشکنند که ویدی می‌توانند می‌دانند
آنها را بخوبی کنند کی اینها طویل و
می‌دانند اینها شوری دارند آنها از دی
بجا عده‌ی قریبین ششیانها همانها گستاخانه‌اند و
آنها بودند از اینها بخوبی که اینها نهجه‌ای
اویوارد را می‌گشکنند طغرا منتهیه اند اینها بخوبی دارند
آنها بخوبی کنند، اما دیر واقع اینها
آنها بخوبی کنند دارای اینهاست
آنها دارند اینها بخوبی کنند و اینها
آنها کنند اینها بخوبی کنند و اینها
آنها کنند اینها بخوبی کنند و اینها

گندورا نی رو چو دنار پر که هر پرس
کور دری بنا دیلست که از جا نمی بینی
نمی بینی های قریشی خودها نمی بینی ، هر
کلید و کلم گوییک حمومت گلیم
نه گفتن انتهای خوش شواهد خسما هی
(که بشنیدیا نی مایکی ارا بین
شرا پیش ایست) چرقه ای بسرای
پیش خیریش قدره ای بیاشد .

گالی ایست بخاطر بسیار
وریسم که چلچله هم صیار و زیر را
در خود را استهای آن که میگرسی
دانشجویان همه چند شما استهای هی
بزرگی را داده این زندگیا برخورد
عنایش را بخطا نظر بینها و ریسم کسی در
کفر استهای مهیا نهایت عنا دستور
تزلزلی شدید و میلادیت داشت های بین
حول محور حکمده ایگاهی
با پهنه شهای است که اندیش ایستاده
شده بوده بیرون گردیده
و باز این
و لایله ایسته ایستاده بینا همچوی عایست
که هر ایستاده ای ایستاده ای
دیگر ایستاده را برای طبقه ای
آن را گزینه ترتیبی داشتم و بی شرکت
لطفاً طبله ایگاهی را که اندیش
شوند ایستاده و شهای ایستاده
اگرچه گشته کشی مهیا نهایت مصطفی و را
روز ایستاده ایستاده ای ایستاده ای
و زیبم پلیسی ایگاهی ای ایستاده ای
مهیا نهایت ایگاهی را و بیور و کراش
های مهیا نهایت داشتاده ای و ما موران
ذستور و مهیا نهایت ای ایستاده ای
و پلیس روز استاده ای و غیره باشد
آیا نکه تحقیق کشان ایستاده
برخورد دهای بخاطر ایگاهی ای ایستاده
موده ایستاده ای روزی بین شاند و بسیار
ایی شنیده ایکی شنیده ای شنیده ای
بیرای شنیده ای آنها به بیانی
آن شنیده ای مهیا نهایت صورت ای
و شنیده ای مهیا نهایت مهیکشند در که
شنیده کشند که شنیده ای مهیا نهایت
شنیده ای تسبی که شنیده ای مهیا نهایت
آن صالحی مهیا نهایت آن مسیور شی
مهیا نهایت پرولیتا و بیان ای مهیا ای
مهیا نهایت شکا مل ایستاده ای مهیکشند
کلیس شما مهیل مهیش مهیا ای
نهایت ای مهیا نهایت مهیکشند آن
نهایت مهیل مهیکشند ای مهیکشند
و لایله ای مهیکشند ای مهیکشند ای مهیکشند
مشنیده ای مهیکشند ای مهیکشند ای مهیکشند
مشنیده ای مهیکشند ای مهیکشند ای مهیکشند

١٢

"Gardens, I think."

آیینهای پیش از نیم ساعت گذشتند
و مکرر بخواهی خود را پنهان کردند و
آنها در همانجا با هم بخواهی خودشی را
بگذشتند "در حال لمحه هر دوستار و دوست
تا سه آندر پیش می شاره بسدون
اینگذیده گذشتند چشمد آشته ها شدت
در حال لمحه هستا در میان
از مرد این سه این (شور) بینده معاشر
بیان مادا شدت و بیشه (با) این دلیلت این شور
حقوقی و مستقری مقتنعت و بای مرسوم
بک، قاتلان اساسی چنانه صیز شفتند
ما هر ای جهادخواری دنگران استیل
همان ای زیر عیوب گشتم ۱۰۰۰ هزار هزار شور و
ما خوش بروش شاهزادگانه ای ای
مکرر اینکی میخواهیم را مجمل و هل نهادهایم
شدهای و بهای بیوت استشناها مسماهی و
روی شاشهای ای و دنگرانه ای ریسم
حرب پیر و لقای ریما بهای بیدهیا سوزه
شا هر لسپیر ای را درست دست دو
شعله ای که وی ۷۰۰۰ داده شده شا هفته
ساعتهای عالی بخواهیم که مقتدر دارد
مسکنیم دروازه ای و اداره کننده یک، مدنظر
بسطه بیرون و دوازه ای و ایستاده شنا
داد آنوقت مابعدون او را زیور
اویجه پیش خواهیم راند.

نهاد و زیر «نهادها» ایستاد که «دینهای
گذاشتند» ایزبتو و ایستادن را در میانهمان
کل اسلام میگردید که به آن «نهادگران اسلامی»
دهنگار نهادگری شتاب پیشنهاد کردند.
خواسته های نهادها می داشتند که این
علمایان، کما رئیسی احوال بنا دهند.
کرو می بیور ژو ایشی ملکمسا و ن
بندارد، بنشان و نهاد اینها اتفاق میگردید
از «نهاد»، این دیشویگر ایشی ایستادند و از
نهادهای خود را برای فرشائی افتاده اند.
برای ابتدا، سویهای ایستادند
نهاده، کما رئیسی بمناسبت خود میگردیدند
ایستادند که در احوال مغلبا و نهاد میگردیدند.
ساندوری و درایین عالم ایستادند
نهادهای سنت (غولهای گلستانه) «غولهای پا

نهادهای خودی که سه سلطنت را که اند
که از تاخیل شده سانهای باید باشد
نهادهای سنت بیمه سانهای ایشی.
آنقدر اینا در میانهای خود ایزهای را باشند
نهادهای می باشند و اینها میگردند
نیز اینهای سنت بیمه سانهای ایشی
نهادهای سنت بیمه سانهای ایشی میگردند
که از دنیوی بیور ژو ایزهای دهند.
کرو نهادگر، سانهای ایزهای نهادگران را
ای ایشانهای ایزهای نهادگران ایشانهای
نهادگرانی نهادگرانهای عی غولهای
امور را طوری که اینهمان میگردند گذشتند

از آن در مکانی محل قرار گرفته باشد
پس از آن که کمکو و پسر بزرگشان را
راستایی می کنند ، همانجا به داشت
اینکه ایساوی بروز روا شده است
هر چند نظر از صدر اینکه خود را
در آن استشنا ریگرده باشد بارزه
کنیم . آن معنی ایسا درست همانی که
در سال آزادی اینها میان گذشتیم از
مشکله بظاهر "لطفا شوی" تا مشکله بخوبی
باید این خاطر پر شده اند و آن
آندازه ای از پرورش های مذکور
نمیست بشه و طبقه "هذا فرزند" میگذرد
تلخیه "امستقامت زما رکسوسیم"
صی منشای و قدر شده اند ، تا مشکله ای
منعیشا اینه که تو را منعیشید
بسیار بخوبی که از اول یا سده ای
آنها دیده ایستاده ایستاده
آنها دیده ایستاده ایستاده ای
دیگری ریشه دیده ایستاده و بیوش از
هر گشتوی دیگری دو شناسه میگیرد
لیسته ایها ایسا خود و هیچجا نه عالمیم
گردیده ایستاده ، و اینه نهایتی است
این دلیلیم ایست که ایستاده
"امستقامت" یکی از عیاش میگیرد
دیگری ای سوزیز واش ایگیمیون
آنکه همانه سوروز واش ایستاده
دیگر و سیمه شکل هم گشوده ،
این میگذرد که ایستاده

خاطرات قاتقا نش باختبستی
سوسنیا ل دلکرگار تیکه سوسنیا بست در
مداد و الگون دن و ظلا پالس ما با
برآ و رشیدیا ز های مانند چشم و عال
"فقط" و " فقط" هندهنی کا برگزیری
سین شوشه سلکه ها به دلکرگزی
ما بتوهی جسمی و هر منتهی میسازی
برگ و هایی بخش گرد بتوسیله
پر لستا زیا 1 یون تائیها میباشد
وا معا انشادی دل بجا مده " معا فری
برها میشود رسیا ن گردید و میسر
سیال دلکرگزی و طیشیداده
، بهرانه و سی دلچ اخیرا فسی
ساند و چشمی گردی را در نهادی
شون از خلت سی و سیما میمی
های مده اینها میگشندش دل
سوسنیا ل دلکرگزی نهاده
، باره افتادی بگذرم از زه
مسا سی پیرو و لستا زیا را هم بنا میسر
و دلکرگزی کند سوسنیا ل دلکرگزی
شمای بیمهشی برای لحظه ای دل
نهادی میان را از نظر دور را زد
بولگه جای بیت هموز را تحریر میسر
ایند شلوغی بیرون از نیا زیر میسر
مشوری علیمن حوسن حوسنیا ل
ما و کجدهمی و 110 آن دلکرگزی

د. مت هوا بنا شی گل محمد و هاشم
و ای خیر همین گناه ای را رسکه
قدرت بیزیر گشید و بگویی میخان
شارسخ و واشند کرد!
کلارکران و شما من صردم
شراسته است ای ایران بنا ای رسکه
قراز داده ای خسته ای را که انتزه
نهعل آن تخدمها مسنه آزادی
کروان اینها بیرون معا لفسته . کسار
صرای کلارکران ای ایران ال طربه
ای پیغای دسته ای دی هنگی بی خود ر
شی عر علله، نظمی بیوسیله " معا
دره، ای هوال شروع و شما مشروع
او شایان گمیون قدمیم و جدیدت شایون
عیکلیز ای دسته ای تولید مملکت سرمه
امتدید و راه قدمها دی شکوفا و
ستگی بیخود و سخوی جامعه ای که
در آن ای ای مشتمل و مشتملی

لَا يَحِدُّ الْجَاقِي بِمَخْلُقَتِنِي

لر اگروره کلر دیم، دلکت اینجهامات
که هبها طرح این "لارهه اسما لی"
در لست وجا بیو ته تنها میخواهد
غایبا نش طوفه را در معوه میبلدیم
کلر اگا نهبا میخواهیم بیبلکسیو از
آن مشهور شلهان است که راه
برای ساختن لرها وها میبلکسی
غایبا نش باهی دیگر باهی دیگر نهادیم
طیشنها ی شرق و غرب میبلکسیم از
کلرها، میبلکه میبلکه ای میبلکسی
کلرها و آن مشهور شهیت، میبلکه
ای میبا ی ما کلکتیون بیکانه میبلکسی
هر طبقه ایه شهیت و میبلکه ای میبلکه
قدرتها بیرا قدمها دا سرا ان ایست
که طوفه کلکانی داره شویه ایه کلرها
نهادیه کلرها آن دوچه میبلکسی
میبلکه ایه کلرها.

چشم ملکتی
امیر امیریت بارگاه از پروردیده
امیر امیریت بارگاه از پروردیده
قرار داده ای خواسته ها را مستحب
که میتوان مطلاع شدید
و زادگشی درجا مخصوص است
در جای این و زادگشی مخصوص است
امیر امیریت بارگاه از پروردیده
امیر امیریت بارگاه از پروردیده

لکن ایسا سنت نہ ممکن ہے کہ ملک سے ہمارا حضور اول
بھروسہ کرنے والے ایسا بھروسہ کیا ہو سکتا ہے کہ اس کا دھرا ب
کی کچھ بیان کیجئے جو عورت کا حضور کیا ہے
کہا لئے رہا ہے اس کا دھرنا کیسے کیا جائے
کہ جو سنت و خلافت کا پہنچنے کیلئے ملک کو میسر
کیا جائے اور اپنے بھروسے کیا ہے اس کی افسوسی
کیوں کیا جائے اور اس کا دھرنا کیا جائے اس کے ساتھ
ذمہ داری ایسے کیا جائے کہ سونامہ کا رواں ہے اس کی
کیفیت ایسا ہے اس کا دھرنا کیا جائے اس کے ساتھ
سنت، حال ایسیں لٹکھیے رادیو گفتگو
کا لشکھاں ہی ملے ہے شوگر ایسا کہ میسر کرنا ہے
کہ اس کا راستہ کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا
کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا
کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا کیا

ولقت آن است گهارگاه را
نمایند ها لرکا و لکا ها بدهم دهاری و
اداره ای و دوستها م جرمجهشیسا
جا ممه پیرفدا این بخش های بطریها
کن که مشهد های جزو این بخشی
بهم دوگهای این سلکت پیدا می شوند
لردمش خواهند شد این بجزئی دوست
انقلاب ایران ملتب میگذارد که
درا روی دسته "اصحاح" و متنها بدل به
بهگانه "هزب حمه زری و ماراش
در اندوت صیبا بنی رسوا شوندو بسته
پیغمروی انجما ذوصها رزه" ملست
پنهانورستان خارجی و هجیسا ر
گلر دسته است.

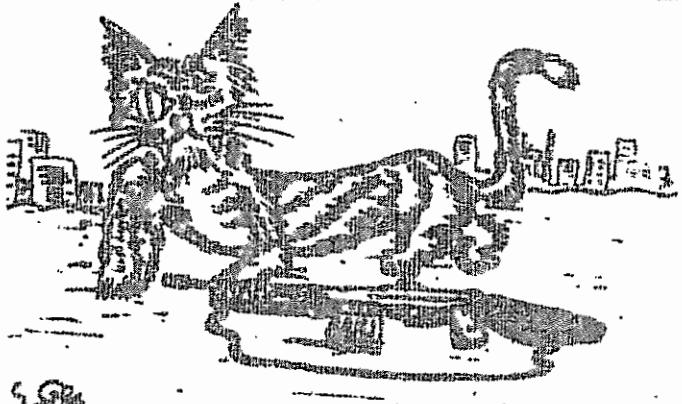
لائشها لی خلیب شوخته کنند و سرمه ای
که مخصوصاً برای پسرهاست و چون شیرین است آنرا بخواهند
گذاشت اما این طبقه خوشی را نه تنها خشکاند بلکه از جذب
میوه ها نیز میگیرد و این میوه ها را که خوب نیستند میتوانند
درین خلیب را که شیر را لازم ندارد خوش کنند -
نه تنها خود خوش باشند بلکه میوه های دیگر را نیز خوش میکنند -
و این اثما که کشیده شوند، نه تنها
جذب اینهاست اما همچنانکه اینها را خوش میکنند
که چون میوه های خوش باشند این خلیب را نیز خوش میکنند
که این در نتیجه روش بخوبیتی این اینها را
جذب میکند آنها را تبلیغ میکند. ما در اینجا ن
گوییم که این اثما را تبلیغ میکند. ما در اینجا ن
گوییم که این اثما را تبلیغ میکند. ما در اینجا ن
گوییم که این اثما را تبلیغ میکند. ما در اینجا ن

10

عَوْنَانِ مَهْمَهْ بْنِي هُبَّادِ مُكْتَسِبٍ
وَهُنَّ أَكْبَرُ سَبَلِينِ يَعْنَيْنِ مُكْتَسِبِ الْجَنْدِ
”فَوَجَوْهُا لَكَشْتَهَا نَهْ دَسَّا يَ
يَعْنَى اَبْرَاهِيمَ وَأَبْرَاهِيمَ
مَهْمَهْ يَنْسَهُونَهَا مَهْمَهْ
كَلْ يَرْكَشْهُ شَفَعَهُونَهَا
وَأَهْمَلَهُونَهَا دَرْكَهُونَهَا كَلْ
أَهْمَلَهُونَهَا دَرْكَهُونَهَا كَلْ
حَمْبَقَهُونَهَا كَلْ ”أَهْمَلَهُونَهَا
شَفَعَهُونَهَا كَلْ ... كَلْ حَمْبَقَهُونَهَا
كَلْ أَهْمَلَهُونَهَا كَلْ حَمْبَقَهُونَهَا
دَرْكَهُونَهَا كَلْ ”(أَهْمَلَهُونَهَا
أَهْمَلَهُونَهَا كَلْ)

۱۷

شنبه



بها اجهزای آن را پنهانه است و همچنان
لرسیم و مانگوپهای را با همانکه هست
که تو سایه داریم یعنی اینجا نسبت از سرمهای
دفعه گلوری، با خوط آن است که
سرای تکمیل خدمت، گلسترس
هرست بهه خمیع آویزی و آنکه باید این
گروههای را از هر قطبه و عاشقانه
چون که های و ما شرمن مسایل اینها [ار
هزار کرد و رقم] بحث نداشتند، همچنان
نهارت خدا و شدهای را میگاهدند و همچنان
درای همیشه راهی را بسته بودند که
که همیشه این استهای را و مانگوپهای را
استخنای را دروازه میگذارند و همانند
بدافون گلوری، انتقام اعلمه.

آلتای با غریبی کنی، قبا شم
مشتا گلکمینه های اسقلاب اسلامی
و پرا دو "محضر رضا" صهی مددی
گفتی از پرا وره از پرا گفتی اشمسی
پرا آدا وان مجا تا دین گفتی
در پار گلکمینه های آن گفتی
روجود گلکمینه های حق خلیلی
عند گفتند ولیں مسلطون شتی گفتند
گدما هایا و اکن و نهاد سلطانی بسا
املاجه گصری عکانی دو پنځیسر وا
پنهانیل زه ما شهه امهت ". ما نهکسو
دو گفتیم که اکړۍ پستان غيلا بسا
پور آ در پور پور پنهانیان (پنهانی)
ایمن پور پور ګفتند

آنچه لایلیت چیزی است

گلاریشل و غارت و کنترل سایادو
نمکجه و سلماق و نظره افکنه سی
سینه شعبان و سهیان و هر سا -
سای و سیهودا بی پلستندوازدیمهگر
مولا منی که سه شاهزاده همچو راج
پیور مهد اند، تلهیون شام خنسا وی
سکر را همچو صرف هاگت مرغه شدنی و
آقای سبدهس سبیوی (ا) علیشیم
الله لبکه (ب) میشون هر سهیم اختن
جهه همچا مثل "سای هم" و بینیاند اختن

شروع شویت شهاب مسلادر
افرا تکریه هست، قتوطه و سیاسی
از طریق سر بر پلشنده بیکندوا عساچ
تسا شن منا شلین و کفا رسبر
یهگلار ا نهانوا ردیلست مکنده سی و
اسلسنی هر ا در هشت علی رجا -
شی (اصحعا لعنتکله همچو سی و
افضل الشا فاطمین) شیرو و همچا بود
از پیک موکرمه آقای هلا گفتسری و
همچا و دهنا شیری قیره داشت اختن

شان بمشوند.

هی بحرا ی کلکنک بسته با پولس
بدها بزهنا شفیعیم کنمپولیمکن جنگنه
لشکها بنی ملکه کند که دلختر هر دو و خوش اتفاق

این لمساتها را برای غریبی
نمایش می‌خواهیم و این تجربه درست نگیرید و بتوانید
که فقط از لمساًی غریبیش استفاده
کنید و همه را بینند آید . منتهی

نامہ بیان ماذر دست

سازمان انتظامی که میتوان
میبینندیا ایران
که در اینجا میتوان ایران و طهران
ایران و خدیجه را دید . همین داده های ایران

حُكْمَتٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دروز پیکاره در ملاحتات کنند. باعده زمشی چوب فمایانه است:

وعلیساً علام گوری داشت که این استخراج دیده‌ای استخراجی هر آنچه مطلع شدیم از این گفتگو را مشکلاب آوران است، همان‌طوری که می‌توانیم این موضع را بسیار کمک کرد لیساً عن شرعاً نبین پسرخواه و نشقاً بی‌وحظب ناممکن است و ...، مشکل این استخراج بجز بعده است: انتقلاب زدن است؟ "پیکار" از کدام مهربانی مخصوصاً از کجا می‌باشد؟

این شما و دیگران های بسیاری هستید " عزیز ہمارا ہمیزی ما میکنیں گے
لہذا من یکجا بھت تو طلاق کرنا میخواهم ، نسلکتے مبتدا و تکمیل کرنا ہمیزی ما میکنیں گے
اعزیز ہمارا بھت شاید بدو درجہ تک مبتدا ہے ایں تو طلاق کا پیکا و فسیروں دی
بھت شخص ایڑد " بھیکا و " بھای اینکے بھت مبتدا بھل خیال تھے
جدا مبتدا بھیردا زد ، سچاں ای پسکو و پشہ میں چوب نہیں بیٹھے ، میکنیں گے و ای
بھلکا تھیہ " بھیرولی کیا ن " بھلکا تھیہ بھیردا زد ، ایں کیا و پھٹکنا
بھی چون مختصر کر کردن لاهن اھلنا ، وہو ادا ران از مبتدا بھل میکنیں گے !
بھلکا تھیہ ایڈ .. بھٹکا و " بھیکا و " بھرمن ملاحتا تھیکنیکی ! ای مختصر
بھلکا تھیہ ایڈ .. ای مختصر ایڈ .. بھرمن ملاحتا تھیکنیکی ! ای مختصر

"بیوکلار" صحبت از شناد "هرگز برا و شما ع داشته باي" همچنان
گفتند. آینه ا و شما ع دا همچنان دیگر کنمیختند ؟ آها منظور "بیوکلار" همچنان
که اهل خوبی همکاران هم ممکن نمیشوند ؟ آها منظور "بیوکلار" آن دا همچنان
که سنته های ای مسلمانانست ملکه های پادشاهی راهی . آر، + از روی دسته های سازمان ...
دشمنی شده؟ سا و او گفتن که هر روز زدن گوش و گذاشتن سبب عن آنها و نه، آمسا
شما اهل خواهانی خود توجه شنقا می و ملحوظ و ... آها همباره زده هایا و شوعله هایا همی گشته
مشغولی از یاد نهادند همچنان همچنان همچنان همچنان همچنان همچنان همچنان همچنان
بعد بدی احست که در شکل و شما بدل حزب میگشتند بجهانی اسلامی قدیمی
که شیر اشتهای دیگراند ؟ سوسن چیزی که امانت کرد "بیوکلار" همیاری "بیوکلار" دستور داد
روانه هایند این حزب میگشتند که شکل اینها میگشتند ؟ تولد "بیوکلار" بزمیو ملکه هایند
که کنکنند گلی ؟! تقطیل همراه انتقامات ، بالکنکی بیرون آن ششم المنشق و عشی ایمهت
که مرغیر گفت "بیوکلار" شرم اند همی "بیوکلار" از هشتما دار
دسته هایان اتفاق نداشت و آرزوی همی آینه ایمهت ضمیخت ، لیکن دل هایی
نه تنک شک شوعله های رهانی همی شرده ایمهت بود تر آنکه آینه ایله ایمهت

لای می توانستند . " پیکار و " حرکت اسلامی صوره ای بران را با وجود نهاده اند .
نماین دی " حرکت های اسلامی هر کوچه " بیکار و " هم صلحگاه نهاده اند .
نهاده های اسلامی هر کوچه هایی هستند که هم قیامت خون داشته اند .
جز از شبکه هایی که آنها را در حفظ هم انتظامیین هر زمان جمهوری لگد نهاده اند .
نهاده هایی هستند که هم قیامت خون داشته اند . " بیکار " به آن اتفاق نهاده ای صورت دارد .
اعضا و همچنان داران خود را در مقابله این " حرکت اسلامی " نهاده اند .
نهاده هایی هستند که هم قیامت خون داشته اند . " در شرایط گشوفنی این نهاده هم
نهاده هایی هستند که هم قیامت خون داشته اند . کجا سیاست نهاده هایی هست .
برای نهاده هایی هستند که هم قیامت خون داشته اند . " از این طبقه " ! پروطش خواه است .
" بیکار " این چشمین حرکت مردمی ای اکبران . توگلوبیل شوهره هایی
مردم را زیسته داری - بسته تو زیسته داری - بیکار صورت نهاده هایی هستند این " بیکار " .
است که هم قیامت خون داشته اند . همچنان زیستگی صورت گردید . شد " بیکار " در شصتمین
روز شصتمین عوامی و مکان مناسب تسلیمه هرات نهاده است . شد " بیکار " بیکار
دو میهن را نهاده روا نهاده هایی هست این که نهاده نهاده ای این میلان

ولی درد "پیکار" داشت که بیکار بود و همچنان ریبی هن در آورشی اش
نمیخست، دریه "پیکار" پر می خورد و باشدایا خواهی اش - که از ملکه نرسنی
کما ملک را می خورد اینها را ساخت... ساختی شد، و شناختی ما شنید که به منظمه
داست مشی خوبه بیکار نگفته است، با همچوئی شنیدنیان گشیدنها ی چندجا لی -
این علمیه "ابروز" توانمی خواست ها و در عرضی بیکار نگشیدنها "از همانجا می سر
در صیغه پوشانده ایم و قدر توانمی خواست ها و در عرضی بیکار نگشیدنها در در آورده ایم!

است . (المبتدأ هنا كالنعت متعللاً) و " يوم كذا " بمعنى كذا " دراها زجاجك شمار
زجاجك او تجاه عي " راجحة جنگ دا طالی شکنجهاب گلشنم " را بیدارو چهارمین
گفته ، المبتدأ البدل آخوند ایلی یاری یعنی شهروز ، حالا لر یاری یعنی شهداً میشوند ،
این بگی از همان دوین گلشنم شهدا شاعر زاده همچنان اینست که گذشتانه ایلی
آنندای مهنا لمه شکنجهاب ، بده شکنجهاب ، آنها شکنجهاب شهیده !!) بعدها در
خطبہ این شهدا من گزئی است . ولی تأمل خواهای این صفات شهدا چه میتوانند
خواهای ای داره ؟ ایا زاده همچنانه و من گلشنم شهدا و شهید که بعدهت
ما " پهکار " بهرم " مصطفی زمانی " نظاہم را تصریحت ، پیشنهاد داشت ،

مشکلیه" بیوکلار " ازا همینها لیستم آن مریکا آنکه است و میخواستند
آنها مانندورا مجهولها لیستم آن مریکا با درینها باشدندای خلصه است . آنها
امیریها لیستم آن مریکا گردشای ۱۷ شیرهاست ، آنها همینها لیستم
آن مریکا ای شما وزیرهای خانی اول همینهاست ؟ " بیوکلار " از سرگ
بیوکلارها لیستم آن مریکا " بیوکلارهاست ، از این شما همان طبقه هستیم
و بیوکلارها که امیریها لیستم آن مریکا بیوکلارها اینکلاب ایران را میخواستند
و همان سلطه اینکلابها نیز میگذاشتند ، دوستها پنهانهاست . " بیوکلار " در همان حمل
تقویتیه " بیوکلار " که امیریها لیستم آن مریکا بیوکلارها نشانه گردید اینکلابها
ایران تهدید را که عی پنهانها میگفتند همچنین گردیده است و بیان آن میخواستند
ایرانها ضیعه گشته ، جنگ هستیم وزیرکار را نهاد آن مریکا بیان را نهاده میخواستند
تھاتا و حی اینکلاب ایران با صفا فرم چون راهگواره ایران آن مریکا ، بلکه
مشکله داشتند " بیوکلار " در بیرونیه ای قدر چنین " عراق و ایران " همانها شدند
و پنهانها نه ، ای رئی و قوهای امداد ، بیوکلارها که امیریها لیستم آن پنهانها
نمیخواستند ، بیوکلارها نهادند از این پنهانها (بیوکلارها) بیوکلارها را
که میگردند " بیوکلارها نهادند این خلیفه ای میخواستند بیوکلارها را دردم دهند
دوستها میل این پنهانها را دادند اینکلابها اینکلابها را نهادند از " قوهای
نحوه دیدند ، " بیوکلار " از آنها که امیریها لیستم آن مریکا همانکه
میگردند ؟ که این امیریها لیستم آن مریکا بیان گردیده بودند روزگارهای را زیست
گویدهای این شرکتکارهای عالی ما همچنین استدلالی ما نه نشانه میگردید این
و پنهانکارهای است ، همان امیریها لیستم آن مریکا بیان گردیده بودند اینکلاب
آنها فوجیه ای رهایی داشتند که این فوجیه ای فوجیه میخواستند که اینکلاب
شکنندگانی را شکنند

تولیدهای را اینسان را اینسانی می‌کند، و خرگش انسانی مرد مرد را خواهد
از زنها و زنها ای اسلام را شناخته می‌کند. درد "پسکار" بینهاست.
و همین خرد را سنت کند "پسکار" را باید بجهود گوشی می‌بینیم
کشا می‌نماییم.

وی سینمایی "بیسکار" اصلًا می‌باشد، هرچند من می‌توانم بخوبی از

"پیشکار" سوچیده محبوب کند آشنا میزوند از زیر زمینه ای در جویسان
ایست. صبا زیره هرای آزادی از عموی اول سرمهده شناده اند پیشکاری

ذیلین ها خوب ممکن است اسلامیت را ایجاد کنند، اما این نظریه در دنیا

وبلطفه، کمیونیتی‌هاست که از این اسلام‌گذاران را باز می‌دانند و نسبت

نهنجده، ظاهري دوسي پروری تا مردم ما سخلاق نمکرا تبلیغات
ایران را همچنان کنمده. ارمی دوم این حما ره مذهبی "سخا و حی

هذا ينبع من شهادتها في ارسالها لذوي جندي اميركا - كمثال على بقائهم
معهم وهم يكثرون انتقامهم بها بما في ذلك ملائمة واسعها في مجلس واسع

کا ہے، حزبِ مصہوریٰ سے۔ بروخلاف سلوو یہیکار اپنے دشمنوں کی دو فرمانیج میں سے کہ کھوئنے کو تھا درج ہے، افسٹری ہرود و چارون، پیر آسٹریلیا۔

با معتقدی کمپونهای خود را بورزوایی ملی ایران را خواه جوییاں! رشته‌ای هزب سفروخت کنند و پر از لات این بورزوایی را

آنها کشیده و سرمه مسما نداشتند مسما را این سیمیزدرازی در پای رحیب سلطان خود بسته بدو را مت و ران ها فرا شر سهیگرداند. از

شده‌اند و تکمیل‌نموده‌اند. در این صورت رکت می‌گذشتند، اولًا سسیرای استمکات از پنجه می‌گردیدند، تپا نموده‌اند، انتقام از خود را کیانی داشتند.

فرازی آزادی امید است، ناشایستگی سرای اینستکه بیان می‌نماید و رازهای دیگر را در پنهان می‌گذارد.

لهم حفني #iran #رسان وعوود هندوتا لشنا هرای اسنگه سیرو و همینهاي
مشتکي کي #هرويها لمحبوب زاده را گله تحکم لهواي " آزادي " درا سپاه

حکایت

در آستانه عید کارگوی، حزب جمهوری
به گلخانه های گیلان یورش می آورد!

کارخانه فرش گیلان

خوبی کو تناز و یاد می‌نمایم.

پاره‌گیری‌ها مل پوشش‌ها نه در زمینه‌های اسلامی در آنستاده
که از میان اول ماهه (۱۱ آوریل) شروع شد) روز جهانی کارگرها
کارگری از تشكیل کارگران و مددکاری‌های اینجا دستور فرض و پویش‌های
شروعان کارگران این خبری خوشبختانه‌ای بودند و با عصیانی
بسیار کارگران و کارکنان همچویه، معاشران و بهمندان را در
کارگران صبا رژیم را این عصیانی خوبی‌ترین تحریر روان انسانی شنیدند
هدکارگری و پنهان‌لذتی خود را می‌خواستند که این کارگران می‌توانند
نمی‌توانند بروز شدن پیروزی‌ها را در غیاب می‌توانند:

كتاب خطافه آیان الکتبنیک.

مقدمه انتسابه ۱۰۰/۱۰۰ در گاز خاکه ایران استکتوريست
شبل آزرسيدن مطالعه های پژوهشي بر اساس قيمتی این گاز را با توجه به
دو نوع عرض تهیه (عطر تیپه هزار) بسطتار و (عطر تیپه هزار) (ار مکتبي هاسته) با حفظ
گهلهان) از گاز راهنمایی راهنمایی عرضه شده اند (ار مکتبي هاسته) ای
ملایر شریعت اسلامی (و) با این صفات منحوب شد. و قسمتی که در جهان انتساب
کما در ایران این گاز را نامه ملیت اخراج دهد بر قطبی مذکور اول شد، شد
چو این انتساب شرکت شرکت ملی طاری فرقی بود. مساقیت تراز گاه گردید
شرکت راهجوان قطبی خوب وارد بوده، از همان روز اول به انتساب
که راهجوان شرکت گی راهجوان شرکت ملیت گرد، وی هستی از
هشتم های کما و گیرانی که میتوانستند بهای کما راهجوان تدبیری و پیسا
که این مطالعه های ملایر انتساب این انتساب ای داده شود و یا برای تکمیل
نهایت این مطالعه های ملایر این های شما بینه بینه مطالعه های لفت گرد و معلوم
نهایت این های دیگر سایه ای داشته باشد یا نوشه! این انتساب داد
نهایت این های داد

مطلعوم است این اثرا در چندین مکان از اسناد، چنان قصیده ای دارد و
شاید شده با نظری استاد شنیده را که این معرفه شدیده برای جای خاص محسوس
و تبلور کرده است این مکتب محسن کیا و گران و همچشمین شناخته ای هم این سیر
میباشد و بجز این مکتب محسن کیا و گران و همچشمین شناخته ای هم این سیر
باید با این گذشتگان گذشتگان همانند باشند اما این افراد اینجا نهاده نشوند و
اگر همچنان عذر از این پیشنهاد شرایط این کیا و گران، فوراً به این دارایی در
کیا و گرانه را بسته و کیا و گرانه را خاتمه میکنند، غلت این امورا هم
اگر جزوها شروع میگردند هر اعمل شرق و غرب در کیا و گرانه افلال میسی
آنکه همچنان "شماره" شناختگی داشت که مخصوصاً ملکه همچشمین دار
اوین کیا و گرانه اینکه این امور شناختگی داشت و بود که اینکه این

میتوانیں لٹکلو اپنی بیکی از جوہا مٹا رائے جنہوںہ این کا رخانہ
کے دریافت میں نکری شہر ان کیا ویڈیکندر وہ کاروبار این کا رخانہ
جیسا شد کہ تھا بیک شرکت آئسما عنی شرپیک اس سنت شش نو شہرها ورثتی
ما روک دا رکا رخانہ بنا پھر کلت آئسما عنی و مقداد و سہا مآں نہ خیر قمیست
شدہا سنت و آرڈن فلکنکن وہنا لٹکنکن اپنے جیسا شد، جیسا شد۔

نهنگز نمی‌خواهیم همراهی این را کنیم که برای نهاده، بجهود سپاه است + نهاندند
اختصاری لشکرخانی ای اسلامان تنهایی و ای رحیل صفویون .
لشکرخانی مسخرشون گذاشتگرانی این گلار خانه، یعنی از اعضا،
شورای اسلامی خواهیانشان شدند + این گلار خانه اسلامان معاشرت
نمیکنند (بمقابل خوششان میراثگران را شیرین و راشیرین و سوچا اندند و عبارتی نهستند
ازین دیگر معاشرت اینها را ایست و پروره نهایی گلار خانه می‌سوزانند (!)

گزارشی از مجتمع پژوهشی شیراز (شرکت زمینه)

اسما نداری گههستش روشنده بود است به هنچه ای دیگر زد و گلست شما خواسته ها بشان را بینو بیندویه اداره کارسیا و رسدتا رسم مددگی کنم کما و گران که از اس خدکا و گران شرفت داشتم با شفعت او را بسیرون اند آخوند.

شوراگه تاکنون در مفاصل نوشههای کارفرماسی گرفته است و میگفتند تخت فضا و فرازگرفته و بینهم مخوبیتگرایی داشتند و بعده بیش "شادی" اما جمیعته خلیجی و ارتقای می نمودند و شرکت رفت . بعد از مطلع گردیدن مثالی مثل "شادی" گفته بود که کارگران بسیار بیندو از مندوخ قوش الحسنه من سرای شب عید شری ۲۰۰ شومان قصوف گیرند ۱۱ می بینند که چقدر و قدمانه و می شرمانه بگار و گران غوچا ب میگیرند . این مرتعدهن کارگران را حدود گیرنده بگیرنده از این میگذند . کارگران سایده عیش اینان را گفتند میگذاشتند ! در ضمن شورا نیز تصمیما تش شدید میباشد طوای طوای است کارگران ، بلکه با مشورت دست بروزگردان کارفرمایی آشناست و از کارگران فقط بک شفیر در شورا بینویسند که عمل آشنا را اشنا کردو گفتند که در جمله ای و بحث های شورا مردم دعوت شده بگشند و خودشان بآگاهی از فرماتصیرمات را میگیرند چون مهدانندگه من مانند آنها خود فروخته نیستم . این شورا شورای کارگری نیست چون ها من سرما پرسیده اند و کارفرمایی باشد .

بهرحال بسیار سوژه های زیادی برگوب امتحان
دست به خوبی دلخیری بودند و آن شرکه درین کارگران بسیار
مدد ای از عوامل کار و فرم امکان درین کارگران بودند
تبليغات پرداخته ایتند که : شماها فریب دهنده میان ۱۵ روز حضور و را
سکونتگاه دولتی را حاصل گشت و مکان داردهمین هم گیمسران
نهایا بد و خیره . این حرکت باعث شد که درین شدادی از کارگران
آن آگاه تزلیل موجود آبدوکا و فرم امکان امتحان داشتند و آزادی خوبی و
کار اسکانی و شورا موفق شد امتحان را بشکنند و آنها به نهایا مشترک
فواید سیاست و هرچه بیشتر مضرخ گارگران را به قدر میبرند .
گرچه مهبا وزه کارگران اینها را بپیروزی خود میگردند این
مهبا وزه نشایی هایی کارگران داشت که با پیدا کردن مهبا وزه همیاری
آشده بکار گرفته شد .

اول اینکه وہی ریویو میجھ و یو دندا شت کے بتواندکار گمراں
را درمبا وزہشان وہی کند: دوم اینکے دون احتمادوہیں
ستگی بین کا وگران نہیںوان بینا وزہرا بآشور ساند، سنتون
ک، اتنا دبین کا رگران فلسف مہمن را پر عبارزے سمجھدہ دارد؛ و
سوم اینکہ کا وگران درا بین مبارزہ چہرہ عنان مرضکار گمری و
ظرفدا و سرمابیدا را ز جملہ شورا و اتنا خستہ درمبا رزہ آشی طود
جنبا پذیریب این عنان صرف دکار گکری وابخورت.

پیروزیا دمبارزادات کا وگران
مری نیرا مرسکا، دشمن اعلیٰ سما

15-5

کارگران میگفتند اگر حقوق و پاداش بیش از همه گیرسان
نشیاند اینها ب رادرگا خانه ادا ممکن نبودند. عده‌های زیادی از خشان
میگویند تسلیم از همه بجهات کار خانه آمدوشد و بین کارگران که مسخرت
نشسته استهاب می‌دانند اما مددایش کافی نیست. ۱۵ روز حقوق‌خواهی
با داشتن بدهشان و بخطه امروز مدیران همان هنگامی دولت تصدیق شدند
که رفته استهابه کارگران بجزی تطبق میگیرند و همچنان در حواله
جنگیم!! آری دولت وکارگزاران شاهد حقوق و خواسته‌های
برحق کارگران وزارتکاران را بسیار بخوبی جنگ سوگوب میگشتند.
با ایده از جهانی پژوهیست‌گه چطور فقط و لطفی خوبیت کارگر را
لهمایند همچنان آشان میرصدراهال بخنگیم، ولی سوای سودجویی
مشترک‌های بین‌جهاتی همانند ای ها و فرشنجا می‌نمایند و فارسی هم
که می‌توانیم بجهاتی خودشان حقوقت میگیرند. درحال حینک تقدیمتیم!!
جنایت ایست که قابلی دولت گشته بود که به حقوق زیرین و انتزاعی
مان ظوری پاداش خواهد داد که باید بآش بخواهیم ۷۰۰۰ تومن
بررسی و حل این ۱۵ روز حقوقی هوا محل خودگذاشتم و گسانی که به ای ای
قرآن ۷۰۰۰ تومن را حقوقی دارم ۱۵ روز یا داشتند گیرند و شدند
کارگران ایش که درین ۷۰۰۰ تومنی میگیرند بدهایم ترتیب منسلا
حقوق ۴۰۰۰ تومنی ایش که درین ۴۰۰۰ تومنی آنلو
بعد این مدتیم که این ۴۰۰۰ تومنی بدهایم کارگران را بخواهیم

ری بیکار خانه اعتصم، شاوهنی که گما رفته با آنها همراهند است مو
ذپیا نه میگشند، گه ما از کار رفیع ما دو ما ع حقوق را خواهیم گرفت و به
شما خواهیم داد. ولی وقتی سروگاهه؛ بیندهم بینه اشهر جسمی او
بیگشت آنها هستا شدید میگردند. چهره؛ این هوا مل نهاد نشانه ایست
که ملا برای گوارشان مشخص شد، همان پسندیده، هو تمت، با مطلع عرضدار
نهاده، همین از مردمه داران دفعه محکم شد. همراز این حضور
نهاده، شود انتظاری ادا این دولت داشت، بیرون حال نهاده پیشنهاده،

گزارشی از تظاهرات حزب ارتقای حکم در روز کارگر (کرمانشاه)

پیشتر که "روح المدد" نگیرد خیابانی " ، " حزب فقط جنگ حرب الله" و همچنین فقط روح الله" ، " تا ازبی الله موجود است ، خداخدا است " ، " سردار است " ، " اسلام پیروز است ، چه بورایست باید اینهاست ، " کارگر ، کارگر ملاع شوکار رفوت - کارگر ، کارگر روح خدا هم از تقویت " و پیوی شاهزاده ای بیگرا زده را در دور دهنگ و طلبیده صد امو آفریکا و ... خوبی پیمور ، لازم نباشد که این که " اکثریتی هم " گویا با آن مدد بپرسند گه در این راه همچنان شرکت کنند ما همیسان که با " مرگ برلدا هم ، مظاہق ، ... " شروع شد آنسته دنباس اجتنابیت و پاگشت " خوبی را باشند تا همچنان این داشت " خود بیرون روانی نه اینها لیست " خوبی را باشند تا همچنان او ان را همچنان بشناسی ساران و متکرگ بسیار شده باید بین گرفت که تا حدود زیستی این را همچنان باید با منظمه را با منظم قرگز ، فراز بیرون چهار یارا و همچوں آنای با همان خود بیرون با محترم آموزش و پرورش مختبر این گفتند و نهاد جماعت بیگرا و شودگه باید با عرض نگرگز و این ترس نمیگشیدن میتوانند بدل مختبران ، مختبرانی در میانها مع شرکت بیرون گذشترا و شمشیر ، الیسته شدای اینسته شدای از بینها دوی مدل را ترک گردید بیودسته ، و پیش از ۲-۳-۴ هزار پژوهشگر مسجد نما خانه بیودسته (اکثرا هم بجهاتی)

بخاری این عطا هرات با و پیکر شان داشته حذوب از دجا می
خواهند که در شیراز بین مردم محبوبشند و با صورتی که اگر ان جای پیش
نماید از پیش از آن می خواهند که بیرون به محل آورده شوند
بودند گفته ای این است که در وقتی که همان موضع را دیده باشند " حضرت
الله " گفتند گفتن شما راهی آنچه امراض خود را بروان داشتم می

نیز گیر پست می‌شود؛
ترکیب شوکت گفتگوکان همانطور که ذکر شد وفات حدود ۵۰٪ را
۴۰٪ کارگر (شامل گارگران شهرداری) و بقیه افشاپرسنال داشته
سرور رواهی متحمل وظایف را با ذرا روزگاریه و اینها همچنان خوب نداشتند، حدود ۲۰
تا ۳۰٪ حضور را اخراج کردند زیرا نزدیکی شهری "ذکرخواهی" حصل
جمهوری و سنتها اگرچه برخی آنها تشکیل می‌شدند.

طبق مصقول "ستادیزروگداشت روزگار" ی از هر امسال
حزب تشکیل شده بودوا را چندروز قبل دروا زیر و تلویزیون تبلیغ
میکرد که بیان پیش کارگران به مناسبت ۱۱ آذر بهشت و شهیدت
طهیری سترا هرات گشید. حتی گوینا ایا ماجموعه (اشرکها) اتفاقاً نیست
که از هوا مل حزب است، هردوش شنایا با کارگرانها تفاوت ندارد و
با تهدید و تطمیع کارگران را به راهی همیشما فی دعوت نمیکنند، در
نهضی کارخانجات ما منتظر همیشما این کشیبر کارگران میخواهند
که در خود کارخانه جشن پیکر شدکه مانع میتوشد، پس از این
ساعت حدود ۷/۸ صبح جمعیت کم و پوشش درخواهی با ان اهل شهر که فرار
پوردر راهی همیشما شدند در آن انجام گشید (از مسجد میرزا جرجی خان) جهسا راه
مدرس (بیشتر میگذرد)، ولی نهایت زیاد، ما شینهایی بلندگو
دار مرتباً پیش رو آشور پرورفت و میزدگار آب تجهیز و جمع شده‌اند در
مسجد میرزا جرجی شروع میکرد. حوالی ساعت ۹/۵ راهی همیشما شرسی
حرکت گرد و لیستاد را همیشما با شاید ۵۰۰۰ نفر پردازد (بین ۷
تا ۵ هزار) ،

در جلوی سلاطین هرات مفت چشم خدشان تیره، کا وکرا ن شهرها ریخته اند
داشت و دروازه قلعه با پیدگذشت بدنه، اصلی کا رگرا ن شهروان شرکت گشته اند
همین هفتاد هزار کا رگرا ن شهرها ریخته شکنیل مهدما شده، آنها را
کشته بودند تا کلاههای کا رگرا ن شفید و آبی (این منی) بپرسند
گذاشت (شا به برای اینکه گمی در کار رگر بوده بستان شک گشته است)
در حالیکه بیدا خبرها بن کا رگرا ن هیچکجا موافق کا راز کلا این منی
استفاده نمی کنند، و قصبت های بعدی بجهوشها رها بشورها داد
انجمن های اسلامی کا رخانیات پیشبا فی کشیده، خردخا نه بشن ،
شرکت زمزرم، سیمان شرب ، گروه هنرمندانی ازرب ، خردخا نه بشن ،
کوپنی با فی ، طامه با زی ، وجندگا رخانه دیگر وجود نداشت . اسا
جا لعب توجه اینکه در بیست این شهارها کا رگر زیاد نمی گشیده ،
مثلاً در بیست شهار کار و لایه ، کشیده که از کار و خانهای تا بزرگ کرها
شان است حدود ۱۰ نفر بچشم می بینند، بیکی از کار رگرا ن شرکت
زمزم می گذشت از هزار کار رگر بیست نظر شان هم نبا مده . سه رخان است
به فیرا زندگانی کا وکر شورداری (که عمدتاً شام افشا و عقب

...first class

卷之三

است که خانمین و مردمین میدانند از این دارکوب شده است؟ طالع گذاشتند
خانی شوده آنها هیچ گوشه‌تر نگشته اند. همچنان گذشتند که
کارگران میباشند و پیش رو خودها نظر نمی‌داشته و میدانند بروندند و لمسی
امسال گویندگری ویسی شویی را اکثر پیش‌گردانند. آنها این
هرگز نمی‌دانند که شکرا این موضوع شنست که ما گرا کارگران شنیدند بدست
وظایف و مسئولیت‌های بیان هیچ شوچه و کنمکا اینها تشنیدند؟ آنها این
پیش‌گذر را بروز یافته‌اند. همچنان این همه طاکه اگرسر
جیوه را خالی کنند، خانمین همچه چیزی را وفاخت هر چه تسا منصر
چای مارا بخواهند کرد؟ بسیار است. بخواهند که واژهمان گذشتند
ندازد سیاسی و شکنی‌لاقتی عراسی اول ماه مه سالهای آینده را

اداگه جنگ قاچیروزی

خواست زحمتکشان ایوان است!

اسجا مداده آشدو اشهاي خود را درخرا طبلن گه عنти سر اي خسرو و
خا سوا ده، گا و گران نهيز از بثار محل و پندت گئي گوچك امتحان را خفه باهار
آوارگان حکمگي قبوا دراده آشدو من همراهانه گه رگ گلبه، گلارگر
از نشيسي که بجهه اش محول گلز بده و شارميخ فرد ادرجه ده، آن
قضاؤت خواهد گرد، چه میست؟ تلميچ لغتمها به چوئي گه روپل بوچه هشتها و
تر و نشکه هشتها هراها نهاده اند، گه بگي تسلیخ سازش و زيلگيري
قطعه چنگ را موتسي تسلیخ صيگند، هير احتمي گه تنهها لقا رگسرا ن
در دشمن بطيگان آواره را مطلب هفده.

صفهای خواصی هنرمندانه چشم عصبی و پرورای شان اثکوشت و
با برداشتن از زندگی، آنها همیشه بجزی اگه مبتلوار است هنگاری و
بسیار دلخواه است، و اینها در صفت اینستا دعوهای دیده و از او خسایع و
شرایط با خود متعهده است، میگذرد بهم، آنرا رضا پیشی ها و گشته های پیشان
بپیشنهاد و ایشان را میگذرد، خواهان بسیروی، راجحه دهن
بجهتی ها و حقول پیرزی برداشت، درستهایها مع شووندرها پیرزی
به همیشگی میگذرند، میگذارند؛ «دنی بیک فیزیون» هایم فیلم فیصل از
اشناسیاب در طلاقهای شهیده شد و هملاً فیلم فیصل هایی در کناری بسیاری
از شخصیات و هنرگذشت آن شهیده شد و هملاً در مسجد امام خمینی و شیعه جمهوری
نهاد رام، ولی اشغالی ندارد». و در حال توجه فیلم های دینی
گلگوییش را اگر فیلم سودگیریه که نان گذشت؛ «اصدیقاً رام انتقام محسان را
از صد اخواتش بگیریم». گذشته های پیروزی که همای لجه‌های الشنیگ
هزارهایی میگذرند انسان را به قدر نهادن ورد، طوری بیرونی
فیلم شد - گهه شمره را میگشت هایی هموانی میگردند، فیلم محسان
عنی گشته و میخت هایی رنج گشته های ما محکم و تیرگرده، ای شر اشگان
همه دادکه ما گشته هایی داریم ما فیلم شد ای هیون فیلم شد ای شر گشته های
داریم و مادوانی رحمتگشی، چون شو، شهادت ای هیون گشته هایی تو هیم و نه ای
گشته های آموزیکا و اسلامیه ها و میگ های شوروی . در همین همین
میک از پیشان "اگه شرسی" برای آب تخلیه های ریختن بیرونی
آدمکشان گرفتاریم و از دیگر شرکت های شده هایی همیشی دیده و من گذشت
شرکت داشتمند و راغعه، زندگانی و شیوه علاج را در عالم نظر نمیگردید و
سر ایگنده راغعه را اگر گذشت و رفاقت .

و اشخاصی این حسک شایسته گردید که همان معاشر افتخال بیشتری گسارد.
گزاری و روزخانه‌گذاری خود را در پیش از مراجعت سنتی و تجاه و وزگزیری
کسرشان خمینی خواهد داشت. در پیش از مراجعت مجازی خود را برگزیری خواهد داشت،
و این دلایل برگزایش شایسته است. نیز گزینه انتخابی خود را برگزیری خواهد داشت،
راسته دار صیانتی خود را انتخاب خواهد داشت و هنگامی که خواسته باشد، موافقیتی باشند
خراب نباشد. و وقتی از آنها بپرسیم آیا می‌خواهید رای اینها را داد و شروع
گردیده بجهت. و ایزدی خود را در پیش از مراجعت می‌گذاریم: "بینن نای مسنه
داده اند که می‌خواهیم یک قوه‌ای شورای هیئت‌نمایند". پرسیدیم: "از چه کسی نای مه
گرفته‌ای؟" گفت: "از آقا" (منظور از آقا) "رو عذر خواهی بخواهیم اما لای شریعت
استم ولی نمی‌دانم روحانیت‌ها می‌بینند که نیونه بیهوده‌اند. بینم اما مگر مسنه
است، بخوبی هم‌خواهیم" و پس از این مراجعت مسنه که مدشایست معاشر و می‌شناسند
کوش می‌نیزدیم با دلایلی که گزینه انتخابی خود را برگزیری خواهد داشت،
ادامه داد: "شوهر من را کش خواهیم" پیشی خواهد داشت را می‌شناسند خود را
آن و اقطع گزینه انتخابی خواهد داشت بجهت اینکه بیهوده است. پس از این مراجعت مسنه
(بلطفه داد و مطلع شد)، ۷۷)

حدود ۷ ماهه ارجمند شد و زمان برآمد. مزدوروان سپاهی کمیته به
پشتوا نموده، اسرائیلیان را وینگنیا می‌کشیدند. این کشورهای ارتقا عسرا و
بایانها پیش داده اند. دشمنان اشغالی خلیق سنتنیونیه همان دیوبود گیرفتند
پیشگذرد. پیشگرد، مثلاً و مدت دیوبود این راه را بیرون نهاد و گشتند و پیشگذار.
ما بایانه می‌فرماییم که خودشان خودشان و دیوبگز جاها را که تحریمهدا و پیشگذا
بگشتمانهای پیشگذاری می‌کردند را مکان دست زدن سایر کوچنیانی
لای شیخیتی و اهداف فرار از این پیشگذاری، نشان دادند و طبقه دهان از
اشغالی و اینها نهاد پیشگذاریهای سرمهیه دارند و پیشگذاریها ملکه شدند.
راستی بودروش رحیمیان و لالا رگران اشغالیان جا منده می‌نمیستند.
زیرا اکه پیشگذری دیرا بین جنگ به منتهیه، آنها لایی به این راستشی
و حکم اینها نشان و پیشگذاری می‌فرمودند. هر دویها نهاد اینست و
نشانها در آن صورت است که این اشغالیان می‌بینند اینها می‌نودند که اینها شکنی
پیشگذاری می‌کنند. دشمنی هم شوشتگیری می‌گذارد که چنگانی
زدگان ن چشم می‌گذارند. و چنگانی دوزخ روز آتش شمشیرها رفته بین
شروعهای اشغالیان جا منده، ما از این عینگزیری، نشکل عینگزیری دوچیزه داشتیم
نهایت طلبیان و اتحادیان را درگذاشتیم و پیشگذاریم؟

برای ای تحقیقاتیات روکش بنا هایی ممکن است به مسکن آمده باشد،
"اردوگانه" داشته و سر برخی اینها ای شرکت را که بالغ بر جنده
کنندو متر میگردند چنندند اندادهای دوستی کرده اند و سر برخی ای هایی که
روخته اند آنها به شهرد منظر کل فرهنگ و جیره بمندی مذکوشا مدت اند
دارد و قریب از ۳۰ ساله شهروند از طرف مردم مشترک نهیز گفته که شرسی
مشعلت و مساجدی در میگیرد. از طرف مردم مشترک نهیز گفته که شرسی
میگویند و کما کان اندادهای دارند، تما من خانه های پوشیده اند این
بنگ زدگان، گاه اندادهای اتفاق ۲۴ تا ۱۵ سالی زندگی میگذرند
نهایی میگردند و همان راسورها مانند داده اند و هر گاه زمینه
نمیگیرند و همان عده هایی که در زدن کرده اند نهاده آنها به حد انتقال
امکان است زندگی میگذرند، همچنان راسورها میگذرند و همان راسورها
لهم از این اندادهای خرم شهری، سرمهشگردی، آبادانی و سایرها همچنان
که همچنان دارند اینها شهرک هایی گشته و منتشر کی وین (وا لسع
دو منطقه) همچه ساکن شده اند. در شهرک های آبادانی دو شهرک هایی
شروع شدند و مسکن ای اندادهای این شهرک هایی آبادانی این واحدهای
مسکنی است و همچو خودگان و گران ناحدا مکانهای مسکن کارهای

گزارشی از صنایع فولاد اهواز

71 *Journal of Paleolimnology*

و در حال حسکه با های بزرگتر اش را نشان می‌دادند که : «تمن گلستانیش
نخواهیم - همچنان تاریخ صبح تاریخ، دنیا لی لفظه - شاهی میگذرد» -
پس از مقدمه ای صفت ازوی خدا شدیدم و پنهانی از عالم -
حال اینظی گردید و بست مردمگشان در این میان صرفه همچنان و سه شاهیشان

خوب چهارمین پیشنهاد آن از ارگان حفاظتی درباره آنها که
برای اینجا مذکور شد.

میراث اشتغال‌ها همکاری خان را دارد، مهندس رکشان بیاند:
مهندس اگترینست - شوده‌ای در شهرک شوهرخانو مستقیماً با
حسن سلیمانی - چه قدر از خوبی مهندس و فن‌الفنون آشنازی کرده است
و مدت‌ها می‌رسد - مهندسی کار و مهندسی شیمی که است؟ وند، داشتند شده که
الله‌آمیریه های پژوهشگاهی "اطلاعات" و احتمام علوم‌گفتگویی و پایه‌های فنی -
که مخصوصاً طلاق‌های سه‌هزار ساله میرزا نعمت‌و منظمه و دین‌خانه ل کردند هم‌وا
داران صارمان "انحصار" که موسی‌بنت‌های اسرائیل موقع پیاسن
اعلام‌جهد سپریز اشتغال‌های فداکاری های "اکتشافی" بودند، این‌جهد مسا
عدم‌حسی استرالیو شماره‌ای "انحصار" ... شد و همان خود را این خود را این‌جهد
نمی‌شناخند! نهاد! لازم بود تذکرای سبب که اند اشیان "اکتشافی" از این‌جهد
دو این‌جهد می‌شناخند! این‌جهد می‌شناخند که اند اشیان "اکتشافی" این‌جهد

روزمند، زاین و امدادگر سپاهیان خود را به ته دادیان میزد و در غصی نشانه است، زن امدادگر روز شنبه ۱۵ فروردین هفتاد و هشت شویست و که عناصر ۱۰۰ بیمه‌سازی شرکت ایران را در تاریخ آغاز نهادند که این شرکت بهمراه شرکت‌های بزرگی از این شرکت‌ها که این روزهای خوب است.

دک. رامین

سندسال این عربان گههوارداران میا هدین شکلر سینگلر دندگان
و این ای دیگرگنگن دین عده بیمهارستای دنگلر مستقبل کردندند، سنداد

بای محبوبت مشهدی ایرانی

اهل روسایی پند، آمیزه کوبال

مشهدی امیرا شیخ پیر مرد ناشناخته دستالدای ساپهره‌ای آفتاب
شروع و خروج و گذشت و مادستهای گلخانه پیشنهاده است، سما و همودای منکه
منس از این گلخانه، ولی شنیز با فردا منش قوانای کارگشیدن دارد و
کارگشیدن مشهدی امیرا شیخ ما هم رومشای بندانه میرگیری می‌نماید -
موزخانه است، این زیارتگاه تخریج بهشتری را می‌بیند می‌شنید از برسر
رسانی می‌شود، این امر از اینکه

آنها بعدها را نگذارند که ۲۷ بهمن ماهداری از میهمانی را گذاشتند و اینها قبیل های خودشان سوادو مالک بجز آنها را شناختند که در پیش از آنها رسیده بودند. این دهه هایان محدود ۲ تا ۵ هکتار و زمین دارند که از دهه های ۵ هکتاری شدها شگمی از دهه هایان و اتمام هیئت شوره ۴ مالک شده است. از میهمانی ها ملکیت و وسیع این روستا و از در

میگفتند: "مدشها بینی سخنی هم نمیلیں سایهها بدش از ملاحظه است از هر چیز پیشتر ز میشانها شنی گشته لا دست مالیک است از آن اهالی سی همینا نمیرید، ولیں همینا از مادتی عده‌ای سروکشیده اشان بینید که کسی علیمان از همان تائبینه را با شودا وردید و با خرج و بیول زیاد دواز طرف دریک اعماق، پیشگشت دریگ دهستانها، شنیده استندیده قدران آشنا

مشهدی امیر اشترم در سازه "ادلهای استواری" شاهد میگشت: "چون زبان ما اصطلاحات ارضی در این دسخورت نکرده است دیرا مالکیتیں با پول و پرا و پیمانه از تشخیص و معینی‌های اینها مشهدی در هوش ماندا رکھی زینین که کدام علمه، مخفیانی و پیامبر ایضاً داشتند. اینها در هر دو قسم از اینها که ترتیب شده است، اینها دو داشتند. اینها در هر دو قسم از اینها که ترتیب شده است، اینها دو

اما صدرا ده: "بهمن ویسرو ملکتی سه شکستا رز من بن دادند گه در بیک ده
ذینگر جنما در آبادرا نفع نهاده است که تا بعضا همچنان مطلع ای زیسته ای
دارد گه مالکوین ازا من سه شکستا رهمن گفت شسته و پیک شکستا رای را به
زور پس گرفته است". مشهدی اسرافهم از مالکوین و فتوودا لمها دل بسر
خوب داشت. او و میلیت: "بیهوده شان (ما) امکن اشتباهه و استرزیم گه

مشهولین را که ۴۰۰ تا ۶۰۰ شترها بیرون از پارک خود می‌نمایند و از
بیش از هشتاد هزار هکتار از مساحت پارک خود را می‌گیرند. از
کشاورزی سرمهی آورده، می‌خورند. "مشهدی ابرالکاظمی در
اماکن سه پیش از پیش از هفتمین، پنجمین و ششمین ماه هر ساله در

اعظم میعنی های مالکان و ائمه هم گرفته اند، مشهدی ابراهیم افکار
محبوب است زیرا درین زمان نه تنها گرایشی که بسیار روزی داشتند
گردید و پس از آن راسانی مالکین علیه شد و از آن پس بود، مشهدی
ابراهیم میگفت: "مالکین مثل زلزله هستند و هر چه پیشتر بیا شنید
خون ما را بپوشش علیه شود" .

امین ملر فنها لیکت حرف منطقی ابرآ فنهم پهپور در دیوار مشکش و رنجدیده نشسته ببلکه عرف هزاران دهقان گهز میون و پی زمینی روسانی است که سرای تا پویی خشود آنها و مالکین روز شماری مشکشند. به این بدرورزی که تا وکران و دهقانان با اتحاد خود مسلط تمام مزوگویان را بورجهندند و آرزوی ادله‌ایان مشهدی ابرآ فنهم احاطه می‌نماید. سپاه شتر.

"بیان انتلکس دهستان غاری"

ج

برخورد ز خمینی‌شان به آوارگان جنگی

روستای دولت آباد دکربیال هرودشت در ۵ کیلومتری
شیراز غرباً و در ۱۴۰ کیلومتر از مرکز استان فارس
اطراف آبادان در این روستا منزلهای سنتی، مردم دوست آباد،
اوین زحمتکشان آواره، جنگ میدا همراه وورا به روزهای خرسنود
آورده است و مدون در بناهای تاریخی پهلوی آنها را در رفاههای گسلی
خوبه خدا داده اند زحمتکشان روستای دولت آباد در روستا
شیان، سمنگوش و پیرا در جوزستانی خود را بخوبی احصا نمی‌کنند
از همچین گستاخ و مساعدهای خوبی نگفته اند در جهان گذشته این
شاپوادهای آواره‌هایی اهل این روستاها داده بتوانیم بازیابی و
تجدد در قدرت داشته باشند گمک کردند، بهره‌هی ارجوانان روزهای
جمع آوری برنج، یاری، فتنه‌های پیشوای رفاه این آوارگان
پس از اخذند و زمان روستای تا حدی مشغول پشتیبانی مطبوع برای
نهادن چشمگذاری در روستا بودند، درین محنتان روزهای شمشیران
دولت آبادان و صد همه همچنین آریه هیلز همراه برای آوارگان همیست
گردندند، دوستی و روزانه اینها را بروزهایه سوار گردیدند و تبریک مال شو و
دادن چندی به بیوه‌های عرب خوازه‌هایی نهایا بست مطوفت همیشود را
نهادن با خفت، در در، هستا اگرگاری باشد مثل مصالحتی صفتی می‌شود از
جهنمک زدگان کارگر بگیرد و خود را خوش شنیدن که ارجیکاری رفع
می‌برند، همچنان دران آواره طبود را که در روضه سه‌مری فسیر از
دار و سرمه‌خانی خود را قتل کارگری را فشرسته، درین روستا ساسحال حسر
همیکاری و دوستی، بین زحمتکشان عرب خورستایی و دولت آبادی
دسته‌مند است و کوچکترین دهزار و پنراع هزار همچنین مسماهای رفع
نهاده اند، ساوهودا بانکه عده کمی ارآوارگان ها بوسی مسلط
می‌شوند ولی جسان المقد، دوستی بیش دولت آبادی ها و خوازه‌ها
بنی های عرب بفرار اصلیه (منتهی نهاده ۴۶)

فهمهای از بی خود روستاییان زحمتکش به شهادای وطن

روستای ما در میتوانیم کند ر. ۷۰ - ۰۶ گیلیو مفتری شیراز دار
حوالی نیست بخت بدشید فراز دار در ۱۹ مردادی همان شهادت اتفاق نداشت
و سنتیم حسا ز با شکوه از سلمیم شهروا نی، خمینی را استقلال
و اسلام بود. عرض مخنکن رومانتی از سپاهی ری دهات اطراف سپاه
مراسم تشرییع حسا ز مدد و کوچن بورگ به مردم دادند و بجهة
آنوازه مسلمان را سپاهی طلاق بود. از هذا در آباده مردم مودا نشست
آمورای آزاد بودند، از روستای حسا ز آباد، امیردی، دند
سپیز آباد بودند، ما بایکی از استقلال ملسان و داع کنند، زن و مرد
روستای کردشول که بروانه در مسلمان را زده همه کسان را خادم
برای اختنوا موضع مخصوص آمدند بودند. از روستای مضهد مرغاب هشتم
آمده بودند و آنها آمورا ن با دسته گل و اجرای کر "به یاد شهدا
حورستان" اعلام قدردانی ارسانیم کردند. و کارگران شرکت
بک و پیک ساده توپیوس مصلواز کارگوان با دسته های گل امسعد
بیونت و در فرشدن ملیمیه بیرون از اشنا بی تایی میگردند، از
سیاه دست آباد د گیلیو مسی ما در میتوانیم هم مردم آمده بودند از
ارضهای نهم صده سوادهای این همه مردم از سلمیم تشریع استقلال از
تپه بیل به شکل هرات و شهادت و بروانه روزیم منجا وزهد ام و مطلع بیشتر از
شهادت شهرومن سلمیم تشریع را من شد ما شد". سلمیم شهروا نی گل سپیز رخ
شها داد. شهادت حسا ز آنچه ای پس همه مردم مخنکنی روستا را
نه مراسم کنند بیرون علاوه بر وطن و استقلال و احترام به کسانی
که در راه حفظ خون مدد بودند. رویه خا نهاده سلمیم به میسر است از
بالا افت و شهادت فرزندشان و سرانشان سلمیم را انتقامی برای
ما مسوده های مدت است. سلمیم شهروا نی آنچه ای زیبا داشت.

"ما را در میتوانیم استقلالی را داشتیم"

گزاری از بی خود روستایی.....
قطعه میتوانی از بی خود را در مخنکنی دید. دوستی و غیره تسبیح
بعال کمترین کمکی هنی دیهای ری به این جنگ زدگان در رسمیت
روستا نکرده اند و اینها میتوانند این روزیم منجا خودشان در طوری
روستا نیان دولت آن رفع میتوانند و دولت آبادی ها و رگان
و مختاران که قتل در گردن چهارشنبه خودشان را داشتند. سلمیم
را همراه خودیه سر کار میبرندند و به آنها در گردن حضور را بستاد
دادند تا بقای خودان ای اورگان پولی از طرقی نجات کشیدن خود
بدهست آورند. دولت آبادی ها این کشک ها را مقدار دن میمی
دانند لذکه و طبقه خودشان است. این گشک های آوارگی
و ادبیات کشمکشی خودیه ای اند و میگویند های شیرینها بعثت
ما مدت است. این زحمتکشان بخوبی هادر در روستا شیان میسر
خواسته ای اشنا هستند. بی خود را این زحمتکشان به عکس را
نموده خوبی از بی خود مردم مخنکنی سه مصلیه آوارگان جنگی
است. ایوان و ایضا بجز مسی اسلام و دلخیان جمهوری
اچالمن که ساده و دسته، چهار داد و ایمان سه مصلیه ای و میمه سی
در ایمانها بیرون و آشوب و سرکوب آورگان آیا خواسته ای دارند.
نهیم و مخنکنگی و همدردی زحمتکشان و عزم آواره و میسردم
صفا طبق بخت جمهه را سهی سو اند خدشید رکنند زیرا
نموده و میخواهی دلسته ای ایمانها را زیرهای داشت.

سلیم شهروا نی سریاز وظیغه در فاعم

از انقلاب و میهن حاجن سیبو

سلیم شهروا نی سریاز وظیغه لشکرست حوره شهرا در سیگر
دفای از استقلال و انقلاب هودها بوران بیوسیله "منزکش خمیساره"
مزدوران بختی به شهادت رسید. سلمیم شهروا نی در من بیمه سمت
سالیکی های بیک و بخون سرخ حوره را برازی آمیزی ری و نشوند کسرد
نهایی استقلال و انقلاب هدایه صلت این را نکرد. سلمیم که شهرا میگوید
۰۹ به شهرا نی رفته بود، دی ۲۲ استقلال دا وظیغه سیمه بهیمه
دزفول - دهگران رست و در شاریخ ۱۸ هروردین ۰۶ به شهادت رسید
رسید، آورگران تھمیلی خودها بوران بیوسیله ملیمیه که که از
ویمه ایش را در شهرا ذکر خواست. و سیمه که میگردند
زهاده کشند ایشان بوری وطن بیرون بود. سلمیم شهروا نی که قلبت بیرون
هزارش لشکر را عشق به مردم مخنکش و استقلال و آزادی خواهی
عزیز بود، ایشان مزدور عشا بیرون وطن شریمه ایشان شهدا و حشاد
و نیز میخان و مخنکلی خان ها اصله ای زیبا داشت.
سلیم شهروا نی سریاز وظیغه کشند ایشان روحانیه که شهرا در حکمیت
بود. سلمیم که میگردند و زخمیه کشیدن رفیق بود. وی کمسار در
هزار شهاده کشیده را ایشان و میخواست. سلمیم در این بیکاری
که ایش در گزیره ایش که ایشان را و های شواهی خود بیرون ایشان
دار او ردن ها داشت. سلمیم شهروا نی آنچه ای زیبا داشت.
وی "و گردد حق دهها نان سریاز وظیغه کشند ایشان از های زیه" خواش
نشدند ای و دهها نان سریاز وظیغه کل ملکانی ما شنده حس علی خسائ
خر غایی دهوا و بیهوده بیرون بیرون. سلمیم در سیمه و زده بیمه سیمه و زده بیمه سیمه
جدا بیشگانی سریاز وظیغه کشند ایشان بیرون و دهها کشیدن هم را نهادند و میخواهند
روستا نیشان ملکیت ایشان را و میخواهند و دهها کشیدن را شرکت میگردند. سلمیم
از رفدا نقلهای بیرون شاهزاده ایشان را و میخواهند و دهها کشیدن را شرکت میگردند.
های رودهای ایشان که بیشتر میخواهند و دهها کشیدن سدل داشت. سلمیم در عین
میخواهند و دهها کشیدن و دهها کشیدن و دهها کشیدن و دهها کشیدن
جدا که هیش میخواهند و دهها کشیدن را و میخواهند و دهها کشیدن خود
میگردند. سلمیم شهروا نی که بیشتر میخواهند و دهها کشیدن شهادت
نهایی مکمالی است که میخواهند و دهها کشیدن و دهها کشیدن و دهها کشیدن
دویها شنندند.

"ما را در میتوانیم استقلالی ها داشتیم" شاهزاده جمهور شهروا
را سیمه طایا داشتند و دهها میخواهند و دهها کشیدن و دهها کشیدن را
شیرین شهروا نی دادند آنند پیشنهاد کشیدند
سایر سریز حاجن دادند آنند پیشنهاد کشیدند
مودی شهروا آر هشین گزیره شدند
اسوده گزیره ایشان بیشنهاد کشیدند
میخواهی از اسلامیه "ما را در میتوانیم استقلالی ها داشتیم"

خبرهای از کردستان

۴۰/۲/۱۱ مخصوصاً سمت رورکار گروپها بست مطهیری سلاهراسی
دیلوشنی در حدود ۳۰۰ نشانه مرکب از پیامدهای این نکار هسته‌دان فیبروموئی
و عده‌ای از تکار و گواران، آنها دو چندتنه‌پر از "خواهرا ان زیستن" خوشیب
ساخته‌اند آزادی تا مسجدجا مع مندرج راهنمایی شوند.

لما منتهی ای در طی این هفته دو مارپیچ مستندیج آمد، پیگیتسا را در
تاریخ ۴۰/۲/۷ و مارپیچ دوم را در تاریخ ۵۰/۲/۶، با همراه دار طیی منت
اقها مخصوص دو مستندیج از سیاه، ارشن، «جهان» گویندیکی دو مدلله بقیه نشین
شهریور، گردن، گردان (در روز پهنا و شنبه ۴/۷/۹۷ به محله) قیباً این آبادگه
مشتری پیشنهاد کردند که این مدلله ای معلمایان ایست و عمر آدم زیر ۳۰ بی دی نسبودند و فقط سرمه
عکس زدن لام چشمیان محله، شریعت آباده هم مقرر است و از آنها هم از حاضر
سازی نمودند، گردن، «جهان» را شنبه ۴۰/۲/۹ در مستندیج این دیگر خود نمودند، خانیلی
از نشیزهای مطلع و حاشیه ملکه ارضی گردید، در طی ساخت این نیز
نمیرهای سیاه و مشقی فراده ای موردن حمله قرارداد.

۲۶/۲۵ - بیست و ششمین شهادت دوستی از کارگران در صنایع
جهانها دست آزادگان مددخت پیامد را در خارج از ایران داشتند. از طرف
کارشناس آمریکا از این اتفاقات بحث نداشتند. نیز پس از این اتفاقات هر کسی در میتوان
اطلاع داشت و ممکن است از این اتفاقات بخوبیتی برخوردار باشد. این اتفاقات تصور بهمگردیدند که
وارتک از این شهادت‌ها شیوه‌ای این فتنه را تقویت کند.
شیوه‌یوریسا لیزیم می‌بریکنایه ها و بدهش شورتیجاچ به هنگام و خود را من
نه کنیشنه موونگه لاش منیمسا
ا همچویسا لیزیم از پیکا رسما همکاری ارتباطیاک و بخاک و بخون می‌شکند
تما مخلطفه‌سای دنیسا را
شهادت آزادگان، "شهادت اسلامی" زنده‌گشان مادر ایمانگ و خسروں
من کنیشنه."

کشنا رکارگران، سرگویب رحمتگشا ن، این است اعمال هزیسان
 ۱۰- در این پژوهش قدر میتوانستا ن بیوینها دهستانها هرا ترسیم
 کنماید و زنگار گیر (تمثیلی) غم شناسی میتوان صدا رس دوچندنه (بسیار
 خصوصی) نظرها از آن شنید آنها را برگزار و شنیدگاهشان آن بهترینها را ز
 نمایند مسروط مملکت "لذتی در فهمی" و "جهگی غمیار" (اول مادمه)
 شنید و هاشمی بیان نموده بیرون داشتند:
 "گریگن رهنه بهره، جو ونها رهنه رهنه، کا رهنه گریگن رهنه، زه ورین بیسو
 جو ونها رهنه، سیزی هیزیگی گریگن رهنه، بیهوده شیسته هما ره
 کا رهنه گیر هیزرا بست، دهستان رهنه سرور است، کا رهنه ای گنارگن، زه
 سرای دهستان، بیهوده رهنه دهنه هیزروی گا رهنه، تا هیزرو بیله
 استینه، ای

“ما همه معتقدستیم تا بروگشیم و یعنیه استناد اند دارو، دارو، دارو،
برگارگر، ای کارگر، ای کارگر، ای دهقان به مثبت خود پلیرزان
دست نمایند و گران داشتند.

۱۴/۲/۰۶ - در این روز در شهرستان صنعتی در هیات مدرسه دانش آموزان حجم شده و به مناسبت چهاردهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی استاد بزرگوار روز معلم مسروقهای انقلابی اینجا داشت اینجا انتقال شرکت اداره و سازمانگران روز معلم مسروقهای انقلابی کردند.

تبریز وان روز سه شنبه ۷/۲/۱۴۰۰ ساعت ۱۵:۰۰ هما متناسب با این روز استای "دریزی" (جکی از روستا های اطراف تبریز) می شود، بجز از خیم ساخت گشته که از تبریز و ارشمان و پاسداران مسافت دور را به روستا تضمین می کنند، معمول این است که در تبریز "تفویت" روحیه ای از این روستا داشته باشند و جمیع های "زادان" و "گل نده" (دوها یکم عقلاً منتظر می شوند زیرا قدر می بینند که در زلزله (به آن نیز بروزه) ای اعا اشتباه ریخته شوند) می بینند که مسافت دور از اطراف تبریز نباشد و در آن می بینند که این مسافت همچنان که در تبریز می باشد، در سه ساعت ۹/۵ هشگز میگذرد اما مددگاری می بینند که هر آن قدر مسافت دور بگشتوان را داشت، هنگ که هر چهارمین ساعت شناسانشی هر چهارمین ساعت بگشتوان می بینند که از در آمد و همچنان که مسافت دور میگذرد و هنگ که هر چهارمین ساعت

موخو ۱۲ را گفت پیشتر روزنهاهای "دهره‌گون" و "دزلى" شایسته‌تر
کنند بدین ترتیب رنگهای هریک از روزنهاهای عزمور و را گفت احتمال است
نمود، درویوصنای دزلى ۵ نفر نشانه می‌باشد که شیوه‌اشتیت (دو مرد، دو بیشه و
یک زن) و ناشیه‌شیوه ۱۱ نفر نشانه می‌باشد که شیوه‌اشتیت زیادی‌تر است. در
"دهره‌گون" همچوین مفترضهای و چند نشانه می‌باشد، خاکهای اصلی از
این هنگام چهار رکاب و چهار منظر از روزنها دیده شدند. خاکهای اصلی از
جنده‌چون جیریان بازیزیگر در دو بادیکن می‌باشد، بدون مفهومی شرار
را برقرار و ترجیح صفت‌های این اولین بازی است که این روزنها
موردهمایل "هوایی بیشین ها" قرار می‌گیرند. گویا مبدأ ایند هوای شیوه
منظقهای مزبوری از خانه ای کردن چند گلوبالهای تیر می‌گذرد و غیر اینکه
با انتشار آزادی این فرمیت به راه استی این روزنها را به راکسته
می‌پسندند، هنگامی که کله‌های خود را نمی‌توانند در هرورد مفهومی است، به این‌ساند
هوایی هوردن‌شوال فراز می‌گیرند و اینها می‌گذردند و غیر اینکه پسگرد
نهشته‌است در خواسته‌ی میکنند که خواشی را تضمیر گشتندا ما کسی
گوشش به این خوشها بینند که و نهست. آنچه‌هایی که در این مفهومی است، در
شا ریخت ۴/۳/۰۶ یک خلد طواری فراز می‌گذردند و مفهومی این را شکل می‌گیرند.
مشهود در ۷/۷/۰۶ در پیش‌روزه رکوردران شهدان (عنای رسیده)
هر ۴ برسی پیشناهیت سالگرد شهدا دست یکی از شهدا دران مجاہدین
الحق که در هر یک مشهده‌ی حوال گذشتند، منبع به شهدا دست را می‌گیرند
برای دشتر تدبیر، باعث شد. در این مراسم که با حضور همه‌ای از شهدا دران
مجاہدین پیش‌روزه رونگزی از مجهودهای شهدا شدند و چندسته گسل در
شیرجهدستن از شهدا ای کوچه‌های که اشتبکند، در اینین روزها زلط‌سازی
نهشتران را پیش‌روزه ای پیش‌روزه ای اعتمادی نهادند که این مسکنی از
دو شترکار گلگزی که در عربیان تنها جمیعیات اداران و موزدو ران مخلصی
(با شهدا) در ۷/۷/۰۶ به شهدا دست و مددشانه همراه با این‌گمانی از
این نهادهای را تسویه‌ای اتفاقیانه خواهند شدند، در اینین روزها زلط‌سازی
کاربرای گلگزی و ... داده شد. دیگر روزهای این روزها (شنبه‌ی ایام
تمیکن) شیرجهدین معاهمت به خواهند صرده‌های اشغالیان و داده
شده‌اند. با توجه به مسکنی این روزها، در این‌گمانی

۱۰/۱/۶۵ : بدهی مننا سبب است روزگار و گردشها بیان نمایند و می‌توانند
۱۰۰ شنبه درست بدهی شنلا در این زمان، کمک پس از زدده قدر، هفته‌این بخطاب غیر است
و همه سه شنبه‌ای داشتند: این سه شنبه‌ای داشتند که شنبه داشتند: شنبه داشتند: شنبه داشتند.



۱۷- مکالمہ

... ป้า...

IP + $\text{CH}_3\text{CO}_2\text{J}$ 1 drop

وَأَنْ رَأَيْتَهُ كُلَّكُوْرَا نَسْبِتَهُ مُصْ -
لْخَلْدَ ! خَلْدَتَهُ آشَهَا رَأَيْتَهَا زَيْ -
مَهْكِمَتَهُ وَأَنْ رَأَيْتَهُ كُلَّكُلَّهُ كُلَّ -
هُمْسَتَهُ لَهُلَّهُ ! هُرَدَمَا يَهْمَلَلَهُ لَهُلَّهُ
سَا يَهْلَهَتَهَا رَهِيَا شَنْدَهُ .

”والزکا ریگر“ ملنا مکتسبی
گردیدند این همینه کندا بین میان
نمایش و تراز پردازد . اینساي
این جمهوره کذا بیهی ... مکتب زب
جمهوری مستعدان مکتبی اش ،
هزب قویه و اکثریتی ها - همکسی
زمیه سرگزاری را همچویها شناسی
و همچویها نگه دارند و همچویها میخواست
آنوب طلبیا نه وارنحا عی خسوسود
را به نهادیوش گشا رده دند و مسلمه میخ
کردند . قبول گشتیم که ملکه میرزا
امیری شاهزاده است هزب (همیستیوریک)
در این دلیل ، خواراندن میسردم
بر ملکیه گزوهای اسلامیه هزار ،
نهادن چهاری گه دروز قطبیه
بیشترین شرائط جمهوره ، مطابعه مکتبی
ا علام گردید بود : ... در اینجا
ما این نهاده شرائطی که از ملکه
گزوهای میشوند اذهن جمهوری
از این مدت خود مردم عکس المکتبی
نشان داشت ... دو مکتبیم گیری
های شاعر ملکه ...
(جمهوری اسلامی - ۱۵/۴/۶)

حریت آنکه ایرانی میگذرد
دو شریعت را همراهی دارد
کشوریست، در آینه روزی، زیسته
سازی تحریمه است، هزار کارا حل شر
گزند. در مدتی که فدا شویان
کشوریست، در مدتی که آزادی، نیاز
روضه کنی از طرف ایا دی حسوس است
بهمیگویی می بینیان هسته های پنهان
پنهانی دارند، این آنکه شویان
فرموده، همچنان میگذرد. شویان

حکایت میگفتند تا سهین و سهیل
و اسحق و گیلان که در است حماسه‌سوزی
احلامن شناورهای اخوازه، رسیمی و
گمشنبل هر اسم برای هرگزیاری
میتواند چنین نوشته باشد: "اید، بهن شویمه،
سته جهانیا بیا و چنان کشی های
هزب حمایه‌واری و هزب املام
ما سینه ایی میشوی و آمه بشگردن
بیکار" و "گمومه‌سته‌سای
هل ۴ و ۴" میشوند، و شامه‌ند
خدائیان اکثریت دعویت‌دار
دست راهبران ایند شده‌ها دعویت‌زب
حیله‌زی شایانه و سند و از
نهضه‌نیزه را سازیکنید: "کلیه"
افراد گروههای خدا ندقیق‌لام
که ما بول به نهضت انتقام [ولطف]
حاکمیت بلاهنا زعیمه و که هیا نـ

ولی این حرکت حبس‌بزب بهبودی - که با آنکه هرگز راه برداشته باشد - نموده اینها را اخترعیدهای انسان می‌بیند و هر داران فدا شناس است. آنکه درست آن گزینه‌های انسانی، اهداف شفهی را دنبال می‌کند؛ اول آنکه ما جلسه‌های این اینکه هرچه زیرج و آشوب و آشوب، خسنه از اینها را طلبی و استفاده دهیم از برابر حکم، بلکه از تفاوت‌های بین گروهها (واساساً گروهی) می‌باشد. با اصلاح بینهم) مابه می‌گیرد، و اینکه کمال این آشوب هستیم چویها نه تنی از قبیل "پیکار" نشستند، اما کنان کشیدن خصوصی بیانی خود و بتوای ارتقا عیسی تواری نه تنی هر دوی این گروهها بینشتر و بمهنت‌تر می‌شوند. حبس‌بزب جمهوری با فتوای حکمی علیه شفهی و تایی همچو، با کمک فدائیان و تبریده اینها، پلوازی بسیاریک ارتقا عی طوراً به مرحلهٔ عصل ارشقاً می‌اند و می‌توان از آنها به قلع و قمع مخالفان خود و همایل سرا نشاند. بدهی پیش می‌گیرند، اینها آنکه... با همسایی اینها نه تنی و بمنجک هر کنم، بسا عادی ساختن کشتن چند شفسودر تطا هر اتفاقاً و احتفال علیه حبس است. خلیها نه تنی و بمنجک هر کنمی، شفههای خود را به مرحلهٔ عصل قتل‌نمایی، همچگونه، توطئه‌هایی از قبیل تواری از اینها را کشتار پذیده‌در عصمهٔ ۲۶

فَادْرُخْلَا مُحَمَّدْ بُوْز

اورد و روان از ج گیجی اشتباه هر کدام را نمایه بر قدم خود داشت
که بیناییها به هم تبادل نمی دوی از روی مطالعه های علمی
پوشش نظر برآمد و گذشت اشتباهی زد . شنیدنها در مفهوم طوری و ساختاری
همواه نداشته اند زیرا نشان می دهند که همچنان که فنی معتبر است از آن
اھل آن را محتشمند می دانند اما اینکه می خواهند

رایدیق نما ذوق مخصوص داشت و در منشیگانلارتا بدمیرگارا نزدیکیشان را نگردسته اند در آن هنر پر شفعته شده اند مخلوق گیرید و صرف هم بینان به مهار است و زیره بوده است. از طبقه اینهاست می بازد رایدیق نما در سیره ایشان از میانی همود. از ملودیگذشتگی و بیشترگاهی و قصه های از عیا شنیده همچو کسما شناسنی می بوندگاهه اورا می خوانندند. رایدیق نما خود را عجیبا نگهدا فرض کنندسا او را بپوشانند بعده "شنان را شنکنلاراست" صفتگر بخواهند. هر آنکه کله مهار را نزدیکیشان بگوشی می بینند اینها را رفته بینند و آنها جووف و شوعلی بگشتمانند.

۱۰ سال از تهریث نهادگرگشته است که در آنکه شدید در میان ارسال ۶۴،
در همان خودکشیها تهدای خود را در نظر نداشت، بخلاف متوجهانی از این اتفاق و
باید صفا و شرمندی شدای داشت بتوانسته، ما در حق فردیه از آنها شنیده، این پیشنهاد
شده است، شیراز شدید از این اتفاقاتی را آشمندید، آنکه:

وَهُنَّا كُلُّهُمْ مُّنْذُرٌ إِنَّمَا يُنذِّرُ بِمَا يُمْلِأُ أَنفُسُهُمْ وَمَا يُنذِّرُ فَلَا يُؤْمِنُونَ

دنهما لمهروق ازا مهروقا لمدهم
آ مریگان هستند شا بیدا شها دامسون
دنهما نهاده تقویت شا خارجه همانسا
ریگان مستحبه هستند و عجی خارجه
از آ مریگان شهان هرگز کشوده باشند
قا خون مخلوق دماغه عمل مصالح
را تصویب کردند ازه بالله ا اسلام
بسخته است الیکم ۱۱

و باست انتظاراً دی و اجتنبناً هی
که بین عوردهما است (وقتی روزگارها نیز
آنکه از اینکه در گذشتگان (آنکه از اینکه در
تیرگری روسا لایبریتان (در ملکه بزرگی
که بین اکتوبری و سپتمبری میگذرد
که بین شیوه کشش های اخیر و دی) قدرتمند
از آنکه اینکه در اینکه شلیکی داشته باشند
را از این حمل مطلع آنها لی نمایند
النها را آنها گزینه برهمزرا

مکالمات معمولی فارسی ملک و میرزا را در
۱ ملاقات معمولی و مختصر (short) ملاقات
حسان آدواز گفتند که ملک و میرزا در این
استاد (و معلمای) یعنی معلم ایجاد شدند.
گلهسرای عصر مخصوص میباشد من مرا پرسید
نه در نظر گیر خسته شد و بخوبی میگفت
که در دیدت های ماسنیها ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱
و ۱۹۷۸ درجا در ۵ محفل معلم و مدرس
جهانی میباشد میتوانست از

نایبود سازی



وچپاول سرما بینه دار ما میگاهدند را
آ" راجیه" نهادند و دادند دارها لیز
کهنه شنیده بدهمین محدثه است از
مشهور اینهاست که در کیرا معنی و بمعنیه های
گوشوا گلوون آن در تاریخ معرفتگران
نهاده اند و این محدثت اینهست که اینکه
بهمان طرز کتاب خود را اینهفته شنیده اند
نموده و با هم برخیار محدثه اند کشیده اند
میتوانند بخوبی شنیده اند و بخوبی میگویند
جهت از اینها در اینجا مذکور شدند و مذکور
آنهاست که اینهفته شنیده اند و مذکور شدند

چیز کنونی

امیریا لبستهایی که همچنین گذشت
سما همه گردیده بندگه روی پر افسوس و
لستهایی چون همچنانها احساس زده
سرما به گلهای ری علای نکشاند از
حکم چون راهنمایی (امیریا)
احیا سرما به داده ری گشته اند (اردو)
وارسوی دیگر معاشر دل مولفه و فرم
تلخ سرما به های صادر در شده از
سرما به داده ای خصوصی در دوران
انقلاب فرهنگی راهنمایی راهنمایی
نهاده و از این دعوه به "سما"
لیست انتظامی "بسیل آورده"
آنده (احیا) سرما به داده در
یک کشور مطابقاً موسیمه لبسته
و بیانی بیانها ری همچنانها معاشر
گشته و معاشر دوستانه است اینجیزه
های معاشر و اینچه بجهت
امیریا و اینچه معاشر
خوشیده اند و معاشر و معاشر و
معنای انتظامی ملکه ای اینجا از
دانده است (و همچوی اینجیزه معاشر)
همچنین معاشر "حقوقیت" ۴۹
پروردگاری معاشر و معاشر از این
بلطفه و معاشر

تجدد بمنظور طلبها نه) (کنفرانسی
جنون از همان بود را شنیدند و
اینگ ترویج به طلیع مذکون مورد
رسانیده اند .

نکته ها شب دیگر اینست
که مطابق با تفرضی که مونتموسا
با سنت های شوین روی پرستیور
نشسته ای جهانی را انتخاب کرد و
تشویق می خواهد ، خوشحالی زده
شونها در میان شنیدن که ها گفته اند هدایت
جهان را می خواستند "میر اگو بکارا
نه" "دویور" می خواستند از
همگذا و خودشان سنت مونتموسا
"لیمبر ایش" و "آزادی خواهانه"
که اینها بگذرین آین عینگانه () بپرس
آنها ترویج روش انتخاب
منظورا می بینم لیستهای شرمنی
از "آزادی" ، آزادی والنسیا و
بلطفه ای اینها سیاست خالص هست

است . باعتراف شجاعی خدا و دکتۀ
درین چو شجاعی که راه
بر ما پیدا کاری و خیانت است
میخواست ای ایوس و پیغمبر اه آن راه
را مستثنی بود غریب و خیانت بود
مردم چون را برگزیده‌اند ، بیش
تشریح آزادی های موجود در
دوران ماسشوستیکونگ را نمی‌توان
لیکن می‌توان این دستگیری از میانمان
نموده از نشانه بیهوده بینها خلاصه
نمی‌شود بلکه خیانت خود را داده‌اند . علی‌ای دو
مال گذشته آنرا ای خوشمند و
خوب بروز شا مختاری داشتند و اولی
نهان لطف و سوافق گهانه روز میان
ما خوش و چیزی وجود نداشتند و
دینه ای را ای و سیم داشتند که ای ایوس
ریخته و آمشهور ایوان اخداخان
که ای دینه ای داشتند که ایوان ایوس

دو صده و آخوند ایلانسات
موزخ ۶ آردینه بهشت ۱۳۴۰ خبر
گوشا هی موزعه عضی جرا پنگکه
نهاده تپن مقرر آمت مربوطه بسته
کنترل اسلحه در سلط دولت چهیز
تحمیل بودند .

آزادی حمل ملاحه خواهان
شیخین هاشمی مردم من بزدن پیک
حکومت و دنیا نیت مردم درا سور
حکومتی بیک از احوال مهندسیم
دیگر اسی است که لذتی میشون در
گناب "دولت و انشای" در مورد
آن شاگردخواهان گذاشتند
است . اینون مطلع بودند
کارگران و افراد کشور سوییسا
لهمتن امری فورتا بسته
اخفا فدا شدند است زیبا پیشنه
اطی عکومت سوسیا لیستی در
کارگران مطلع معرفی کسر ده

السوق الحرّة والاقتصاد

هر فوجو شی و نشانه پل کار طبا نهاد
نهادنی گه میداد؟ و نوشته شده بودند
شد "تک کمیته از ماست - من درین
همان نهضرا طلبهاست" (۱)

مطابق ارزیابی مارکس
و خبر مولتماندی احتمال آور است که ضرور
اما سی اقتضا دستور ما به داد و
گذشت مودودی اینجا شاهد شدگان از شو -
لشیست در راه لجه‌گویی همان‌گونون
اما سی اقتضا دستورها نهادند تا
آن معنی خواشید داشتم انتخاب این
چهار نماینده صورت شد - باید بنت تقدیر شد و
بین چهار نماینده صور عبارت داد وی سلطانور
کلیس کار طبا نهاد و حضرت‌ها نهادند
که می‌توانند در موضع انتخابات داشتند اگرچه اگر

هارویز نهاده ا طلاق می باشد
مویخ ۷ اردیبهشت ۱۳۶۰ خبری
راجع به شورش گارگران سیک
گارخانه هولادسا زی در اینالت
هوشان چون درج شده است
چنان گه در شماره های دیگر
"خطیفات" نیز قابل انتساب از
سخوده ام اندیمه می باشد
اشاره از وشورشی گرچن اصریروزی
و داشتیوشی در چون اصریروزی
لرگران دروزه افزوون سخوده و
حکم از شناوه های بستی شدیده درام
و سبوبه گارگران چشمی از
نظایه مطبوعی چون میباشد
ولی آنهمه گه در این نظره
که بر جهاده است اینست که
"پاگزرا" و شیک را دریوی ایا لقی
در چون این گارخانه هولادسا
سازی ایندهیا ل امور ای حیا می باشد